



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

۱ Characteristics of Constitutions - Part

Every state has a constitution, since every state functions on the basis of certain
rules and principles.

هردولتی دارای یک قانون اساسی هست از آنجایی که هر دولتی بر پایه قواعد و اصول معینی عمل مینماید.



It has often been asserted that the United States has a written constitution but that the constitution of Great Britain is unwritten

اغلب اینگونه اظهار شده است که ایالت متحده آمریکا دارای قانون اساسی مدون است اما اغلب اینگونه اظهار شده است که قانون اساسی بریتانیای کبیر نانوشته است

This is true only

in the sense that in the United States there is a formal document called the Constitution, whereas there is no such document in Great Britain

این نکته صحیح است فقط بدان معنا که در ایالت متحده یک سند رسمی وجود دارد که قانون اساسی نامیده میشود در حالیکه چنین سندی در بریتانیای کبیر وجود ندارد.

,In fact, however

many parts of the British Constitution exist in written form, whereas important aspects of the American Constitution are wholly unwritten

در حقیقت، به هر حال بسیاری از قسمتهای قانون اساسی بریتانیا به صورت مدون وجود دارند در حالیکه جنبه های مهمی از قانون اساسی آمریکا به طور کل نانوشته هستند.



The British

Constitution includes the Bill of Rights, the Act of Settlement, the Parliament Act of 1911, the successive Representation of the People acts (which extended the suffrage), and the statutes dealing with the structure of the courts, the various local government acts, and many others.

قانون اساسی بریتانیا سند اساسی حقوق بنیادین ، قانون حل و فصل قانون 1911 پارلمان، قوانین بعدی مربوط به نمایندگی مردم که حق رای را گسترش دادند. قوانین موضوعه که با ساختار دادگاهها سر و کار دارند قوانین گوناگون مربوط به دولتهای محلی ، و بسیاری از قوانین دیگر را در بر میگیرد.

These are not ordinary statutes, even though they were adopted in the ordinary legislative way, and they are not codified within the structure of a single orderly document.

این قوانین موضوعه ،قوانین موضوعه عادی نیستند ،حتی اگر چه این قوانین توسط یک روش قانونگذاری عادی پذیرفته شده اند ،حتی اگر چنین قوانین در چهارچوب یک ساختار سند منظم واحد تدوین نشده اند.



On the other hand, such institutions in the United States as the presidential cabinet and system of political parties, though not even mentioned in the written constitution, are most certainly of constitutional significance.

از سوی دیگر در ایالت متحده آمریکا، نهادهایی همچون کابینه ریاست جمهوری و نظام احزاب سیاسی حتی اگرچه در قانون اساسی مدون کشور ذکر از آنها به عمل نیامده است با اطمینان بسیاری از طرف قانون اساسی دارای اهمیت هستند.

The presence or absence of a formal written document makes a difference, of course, but only one of degree. وجود یا عدم وجود قانون نوشته رسمی البته تفاوتی را ایجاد می نماید اما فقط تا حدی .

A single - document constitution has such advantages as greater precision, simplicity, and consistency.

یک قانون اساسی واحد دارای مزایایی مثل وقت بیشتر و سادگی بیشتر و سازگاری بیشتر می باشد.

In a newly



developing state, on the other hand, the balance of advantage has been found to lie with an uncoded constitution evolving through the growth of custom and the medium of statutes.

از سوی دیگر، در یک دولت در حال توسعه جدید تعادل و توازن در وجود چنین مزایایی این گونه برداشت میشود که در وجود یک قانون اساسی غیر مدونی قرار دارد که از طریق رشد عرف و از طریق قوانین موضوعه تحول می نماید .

Experience suggests that some codified constitutions are much too detailed.

تجربه نشان میدهد که برخی از قوانین اساسی مدون بسیار مفصل هستند.

An overlong constitution invites disputes and litigation, is rarely read or understood by the ordinary citizen, and injects too much rigidity in cases in which flexibility is often preferable.

یک قانون اساسی طولانی منجر به وقوع اختلافات و دعاوی میگردد، به ندرت از سوی شهروندان عادی خوانده یا فهمیده میشود و منجر به سختی بسیار میگردد در مواردی که انعطاف پذیری اغلب مرجح است یا برتر است .





Since a very long constitution says too many things on too many subjects, it must be amended often, and this makes it still longer.

از آنجایی که یک قانون اساسی بسیار طولانی از چیزهای بسیار زیادی در خصوص موضوعات بسیار زیادی سخن میگوید. قانون اساسی اغلب باید اصلاح شود و چنین اصلاحی باز هم قانون اساسی را طولانی تر میکند.

word is a model of brevity ۷,۰۰۰ The United States Constitution of
whereas many of that country's state constitutions are much too long - the longest
being that of the state of Louisiana, whose constitution now has about 255.000
words.

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا دارای 7000 کلمه هست که مدلی از الگویی از اختصار میباشد. درحالیکه بسیاری از قوانین اساسی ایالتی این کشور بسیار طولانی هست که طولانی ترین آن قانون اساسی سوئیس می باشد که این قانون اساسی اکنون در حدود 255.000 کلمه می باشد.



The very new, modern constitutions of the recently admitted states of Alaska and Hawaii and of the Commonwealth of Puerto Rico have, significantly, very concise constitutions ranging from ۹,۰۰۰ to ۱۵,۰۰۰ words.

قوانین اساسی بسیار جدید و نوین ایالت‌های به تازگی پذیرفته شده آلاسکا، هاوایی و مشترک المنافع پورتو به طور قابل توجهی بسیار فشرده هستند به گونه ای که این قوانین اساسی بین ۹۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ کلمه تغییر میکنند.

The ۱۹۴۶ Constitution

of India, with ۳۹۵ articles, is the wordiest of all national constitutions

قانون اساسی ۱۹۴۶ هندوستان که از ۳۹۵ ماده تشکیل شده است از حجیم ترین تمامی قوانین اساسی ملی میباشد.

,In contrast

some of the world's new constitutions, such as those of Japan and Indonesia, are

very short indeed

درمقابل، برخی از قوانین اساسی جدید دنیا مانند قوانین اساسی ژاپن و اندونزی در واقع بسیار کم حجم هستند.



Normative and Nominal Constitutions

قوانین اساسی معیاری و اسمی

Some constitutions are buttressed by powerful institutions such as an independent judiciary, whereas others, though committed to lofty principles, are not supported by governmental institutions endowed with the authority to defend these principles in concrete situations

برخی از قوانین اساسی توسط نهادهای قدرتمندی مانند یک قوه قضاییه مستقل حمایت میشوند. درحالیکه دیگر قوانین اساسی اگر چه نسبت به اصول برجسته مندرج در آنها متعهد می باشند از سوی نهادهای دولتی حمایت نمی شوند که به آنها این اقتدار داده شده است تا از این اصول در موقعیت های جدی دفاع بعمل آورند.

Accordingly, many juristic writers distinguish between

‘normative’ and ‘nominal’ constitutions’

بدین ترتیب بسیاری از نویسندگان های حقوقی بین قوانین اساسی معیاری و اسمی تمایز قایل شده اند .



A normative constitution is one that not only has the status of supreme law but is also fully activated and effective; it is habitually obeyed in the actual life of the state

یک قانون اساسی معیاری، آن قانون اساسی است که نه تنها از موقعیت یک قانون برتر برخوردار است بلکه همچنین به طور کامل فعال و موثر می باشد و چنین قانون اساسی بطور معمول در حیات واقعی دولت مورد پیروی واقع میشود.

A nominal constitution may express high aspirations, but it does not, in fact, reflect the political realities of the state

یک قانون اساسی اسمی ممکن است آرمانهای عالی را ابراز نماید اما چنین قانون اساسی در حقیقت واقعیت های سیاسی دولت را منعکس نمی سازد .

of ۸۷ Constitution of the former soviet Union and Article ۱۹۳۶ of the ۱۲۵ Article Constitution of the People's Republic of China both purport to guarantee ۱۹۵۴ the



freedom of speech, but in those countries even mild expressions of dissent are
likely to be swiftly and sternly repressed

ماده 125 سال 1936 قانون اساسی اتحادیه شوروی سابق و ماده 87 قانون اساسی سال 1954 جمهوری خلق چین هر دو به نظر میرسند که آزادی بیان را تضمین می نمایند اما در آن کشورها حتی ابراز مخالفت های خفیف به احتمال زیاد ، به سرعت و به شدت سرکوب می شود .

Where the written constitution is only
nominal, behind the verbal facade will be found the real constitution containing the
basic principles according to which power is exercised in actual fact

در جایکه قانون اساسی مدون فقط قانون اساسی اسمی هست و در ورای ظاهر کلمات و عبارات قانون اساسی واقعی یافت خواهد شد که اصول اساسی را در بر میگیرد که بر طبق این اصول قدرت در مفهوم واقعی به اجرا گذاشته میشود.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie



Thus in the .

former Soviet Union the rules of the Communist Party describing its organs and functioning are more truly the constitution of that country than are the grand .Stalin Constitution ۱۹۳۶ phrases of the

بدین ترتیب در اتحادیه شوروی سابق قوانین حزب کونیست که نهادهای آن کشور و و ضایف آنها را توصیف می نمودند به مفهوم واقعی تری قانون اساسی آن کشور را در مقایسه عبارات برجسته موجود در قانون اساسی 1936 کشور استالین تشکیل می دادند.

Every state, in short, has a constitution, but
.in some a real constitution operates behind the facade of a nominal constitution

به طور خلاصه هر دولتی دارای یک قانون اساسی است اما در برخی از دولتها یک قانون اساسی واقعی در ورای یک قانون اساسی اسمی عمل می نماید. یا به اجرا در می آید.

۲ Characteristics of Constitutions - Part



In the long history of the state constitutions of the United States, one finds little, if any, correlation between the ease of amendment and the actual number of amendments adopted.

در تاریخ طولانی قوانین اساسی ایالت متحده آمریکا هر شخصی ارتباط کمی را میان سهولت اصلاح نمودن قانون اساسی و تعداد واقعی اصلاحیه های پذیرفته شده برای قانون اساسی پیدا میکند، اگر چه چنین ارتباطی کمی هم وجود داشته باشد.

States having identical methods of constitutional change often diverge considerably in the frequency with which the amending process has been utilized.

دولتهایی که از روشهای یکسانی برای تغییر قانون اساسی برخوردار هستند اغلب به طور قابل توجهی در تعداد دفعاتی که فرایند اصلاح مورد استفاده واقع شده اند از یکدیگر تفاوت می نمایند.

States having what seem to be simple methods of change often have a history of fewer changes than other states that have sought to make the amending



.process more difficult

دولتهایی که به نظر میرسد از روشهای ساده ای برای تغییر در قانون اساسی برخوردار هستند اغلب دارای تاریخ تغییرات کمتری در مقایسه بادولتهای دیگری هستند که در صدد بر آمدند تا فرآیند اصلاح قانون اساسی شان را مشکل تر نمایند.

The decisive factors seem to be the generality or detail of the constitutional document, the tempo of social and economic change in the community, the class structure, and the nature of the struggle for power, which are quite unrelated to the formal processes of constitutional amendment

عوامل قطعی در اصلاح قانون اساسی به نظر میرسد که کلیات یا جزییات سند قانون اساسی سرعت تغییرات اجتماعی و اقتصادی در جامعه ساختار طبقاتی و ماهیت تلاش برای دستیابی به قدرت باشد که این عوامل کاملاً نامربوط با فرایندهای رسمی اصلاحیه های وارد بر قوانین اساسی می باشد.

Methods of Constitutional Amendment



روشهای اصلاح قوانین اساسی

Constitutions can be amended in many different ways, and these differences may
.be significant

قوانین اساسی ممکن است از طریق روشهای متفاوت بسیاری اصلاح شود و این تفاوتها می توانند مهم باشند.

The constitutions of Great Britain, and Colombia, may be amended
.by the national legislature acting through an ordinary parliamentary majority

قوانین اساسی بریتانیای کبیر و کلمبیا می تواند از سوی قوه مقننه ملی اصلاح شوند آن هم از طریق دستیابی به اکثریت پارلمانی عادی .

In

some countries, including Argentina, Cambodia, and Chile, the constitution may be
amended by the national lawmaking body but only through a special parliamentary



.majority

در برخی کشورها از جمله آرژانتین کمبا و شیلی قانون اساسی میتواند از سوی نهاد قانونگذار ملی اصلاح شود اما فقط از طریق دستیابی به یک اکثریت پارلمانی ویژه .

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

,Where such majorities are needed there may be additional requirements
such as joint sessions of bicameral bodies, more than one debate, or the lapse of a

.certain amount of time between proposal and debate

در جایگاه چنین اکثریت هایی مورد نیاز میباشد ممکن است الزامات اضافی وجود داشته باشند الزاماتی مانند



تشکیل جلسه های مشترک هر دو مجلس پارلمان انجام بیش از یک جلسه بحث و یا گذشت میزان مدت معینی از زمان میان ارائه پیشنهاد و بحث و بررسی .

Many constitutions cannot be

.amended by the legislature alone but require action by other bodies as well

بسیاری از قوانین اساسی نمی توانند از سوی قوه مقننه به تنهایی اصلاح شوند همچنین که اقدام از سوی نهاد های دیگر لازم می باشد .



Thus

a two- thirds majority (۱) the United States Constitution can be amended only by
a convention called by two - thirds of the (۲) vote in each house of Congress or
states - with subsequent ratification, in either case, by the legislatures or especially
.elected conventions of three - fourths of the states

بدین ترتیب ، قانون اساسی ایالات متحده آمریکا میتواند فقط از یکی از دو طریق ذیل اصلاح شود :

1-از طریق دستیابی به رای اکثریت دو سوم در هر یک از دو مجلس کنگره و یا از سوی اجلاسی که توسط دو سوم ایالتها فر خوانده شده همراه با تصویب بعدی در هر یک از دو مورد از سوی قوای مقننه یا از سوی اجلاس هایی که اعضای آنها به طور خاص از سوی سه چهارم ایالتها انتخاب شده اند .

Still other constitutions can be

amended only through some sort of popular voting: an amendment to the

Australian Constitution must secure, after an absolute majority in parliament, a

;majority vote in a popular referendum

با این وجود دیگر قانون اساسی می توانند از طریق نوعی رای گیری عمومی اصلاح شود اصلاحیه وارد بر قانون اساسی استرالیا با سیتی پس از دستیابی به یک اکثریت مطلق در پارلمان رای اکثریت را در یک همه پرسی عمومی



به دست آورد .

the Belgian Constitution may be amended
by a two - thirds vote of both houses of parliament but only after a dissolution of
- that body and an intervening election; the Japanese Constitution requires a two
;thirds vote of the parliament followed by a popular referendum

after the Danish



parliament has adopted a constitutional amendment it is dissolved, an election is held, and the new parliament must then vote in favour of the same amendment before it goes into effect; the Irish Constitution may be amended by a simple majority of both houses of parliament subject to approval by a popular referendum.

پس از آنکه پارلمان دانمارک اصلاحیه را بر قانون اساسی این کشور پذیرفته است این پارلمان منحل می شود انتخاباتی برگزار می شود و پارلمان جدید آنگاه بایستی به نفع اصلاحیه یکسانی رای دهد قبل از آنکه چنین اصلاحیه ای موثر واقع گردد.

The 50 states of the United States, all of which have written constitutions, exemplify in their history a vast amount of experience with problems and techniques of constitutional change.



50 ایالت متحده آمریکا که تمامی آنها دارای قوانین اساسی مدون هستند در تاریخشان نشانگر میزان گسترده ای از تجربه در خصوص مسائل و روشهای تغییر در قانون اساسی می باشند.

Generally speaking, state constitutional amendments may ۱۴ amendments are initiated by the legislature, although in .also be initiated by popular petition

اگر به طور کلی سخن گفته شود اصلاحیه های وارد بر قوانین اساسی ایالتها از طریق قوای مقننه آغاز میشود اگر چه در 14 ایالت ای اصلاحیه ها ممکن است از طریق درخواست عمومی آغاز شود.



Where amendments are proposed by the states) or a ۱۸) legislative bodies, the size of the required vote is a simple majority states). A few states have ۹) states) or a three – fifths vote ۱۸) two – thirds vote rather special provisions

در جایگاه اصلاحیه ها از سوی قوه مقننه پیشنهاد میشود میزان رای لازم ، رای اکثریت ساده در 18 ایالت و یا رای دو سوم در 18 ایالت دیگر و یا رای سه پنجم در 19 ایالت دیگر آمریکا می باشد. تعداد کمی از ایالت های آمریکا دارای مقررات نسبتاً ویژه ای هستند .

In Connecticut, an amendment may be initiated by a majority vote in each house of the legislature in two sessions or a three – fourths vote in each house in one session; whereas Vermont requires a two- thirds vote in the Senate and a majority vote in the House on first passage and a majority in both houses on the second

در ایالت کانکتیکود یک اصلاحیه بر قانون اساسی بایستی از طریق یک رای اکثریت در هر یک از دو مجلس مقننه در دو اجلاس و یا بر اساس رای سه چهارم در هر یک از دو مجلس در یک اجلاس آغاز شود . در حالیکه در ایالت درموند



رای دو سوم در مجلس سنا و رای اکثریت در مجلس نمایندگان در تصویب اول و رای اکثریت در هر دو مجلس برای تصویب دوم لازم است .

۷

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

states a constitutional amendment must be approved by ۱۳ In
two sessions of the legislature, and this is an alternative method in three other
.states

در 13 ایالت آمریکا یک اصلاحیه وارد بر قانون اساسی باید در دو اجلاس قوه مقننه تاثیر شود و چنین روشی ، یک
روش جایگزین در 13 ایالت دیگر می باشد.



,In all states but Delaware the amendment must be ratified by the electorate
usually by a simple majority of those voting

در تمامی ایالت‌های آمریکا، به جز ایالت دلاور وارد بر قانون اساسی باید از حوزه های انتخابیه تصویب شود و به طور معمول چنین تصویبی از سوی اکثریت ساده ای که رای میدهد بدست می آید.

Other Differences Among Constitutions

تفاوت های دیگر میان قوانین اساسی

Some constitutions may be characterized as indigenous, in the sense that they are
rooted in the historical experiences of the states that produced them

برخی از قوانین اساسی میتوانند به عنوان قوانین اساسی اصیل توصیف شوند بدین معنا که این قوانین اساسی ریشه در تجارب تاریخی دولتهایی دارند که آنها را ایجاد نموده اند.

Others are



.essentially imitative

بقیه قوانین اساسی غیر اصیل هستند به طور اساسی .

Clearly the Constitution of France's Fifth Republic is an

.indigenous document rooted in French political history

به طور آشکار ، قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه سند اصیلی است که ریشه در تاریخ سیاسی فرانسه دارد.

On the other hand, the

is an imitative document imposed upon a nation ۱۹۴۷ Japanese Constitution of

.defeated in war and controlled at the time by an occupying army

از سوی دیگر قانون اساسی 1947 ژاپن ، یک قانون اساسی غیر اصیل می باشد که بر ملتی تحمیل شده است که در جنگ شکست خورده و در آن زمان تحت کنترل یک ارتش اشغالگر بوده است.

The Constitutions of the English – speaking countries have proved to be very

.stable



قوانین اساسی کشورهای انگلیسی زبان نشان داده اند که بسیار پایدار می باشد.

Many Latin American constitutions, on the other hand, have been
.exceedingly fragile

از سوی دیگر ، بسیاری از قوانین اساسی کشورهای آمریکای لاتین به طور فزاینده ای نا پایدار بوده اند .

Among the new nations that emerged from the liquidation of
the British Empire, some constitutions have proved to be quite stable while others
.have not

در میان ملتهای جدیدی که از انحلال امپراطوری بریتانیا پدیدار آمده اند برخی قوانین اساسی نشان داده اند که کاملاً پایدار هستند درحالیکه دیگر قوانین اساسی اینگونه نبوده اند .

Thus the constitutions of India, Kenya, and Malaysia have functioned
effectively with relatively few changes, whereas the constitutions of others, such as



.Pakistan, Ghana, and Nigeria, have not

بدین ترتیب قوانین اساسی هند و کنیا و مالزی بطور موثر عمل نموده اند همراه با تغییرات نسبتاً کمی در حالیکه قوانین اساسی سایر کشورها مثل پاکستان غنا و نیجریه اینگونه نبوده است .

Some writers have contrasted 'organizational' documents with
'constitutionalist' documents'

برخی از نویسندگان اسناد سازمانی را با اسناد قانون اساسی مقابله و مقایسه نموده اند.

The organizational, such as those of Sri Lanka and
Indonesia, are concerned mainly whit describing the principal political institutions
.of the state

اسناد سازمانی مانند اسناد سازمانی سریلانکا و اندونزی بطور عمده در ارتباط با توصیف نهادهای سیاسی دولت می
باشند.

The constitutionalist documents, such as that of India, emphasize
general principles, spell out the rights of the citizen, and are concerned with how
.these principles are to be confrere



اسناد قانون اساسی مثل قانون اساسی هند اصول کلی را مورد تاکید قرار میدهند و حقوق شهروندان را تشریح میکنند و در ارتباط هست با اینکه این اصول چگونه باید به اجرا گذاشته شوند.

Constitutions also differ fundamentally in how

.they deal with that most important institution, the political party

قوانین اساسی همچنین ممکن است بطور بنیادین در خصوص اینکه چگونه آنها با مهم ترین نهاد یعنی حزب سیاسی سر و کار دارند از یکدیگر تفاوت می نمایند.

The constitutions

,of the Western liberal democracies do not mention parties at all

قوانین سیاسی کشورهای غربی دارای نظام لیبرال دموکراسی به هیچ وجه از احزاب ذکر را به عمل نمی آورد.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

On the other hand

,the constitutions of the communist countries – e.g., the former Soviet Union, China

Albania, Romania, and the former Yugoslavia – have much to say about political

.parties

از سوی دیگر قوانین اساسی کشورهای کمونیست مثل اتحادیه شوروی سابق چین آلبانیا و رومانی و یوگسلاوی سابق سخنان بسیاری درباره احزاب سیاسی بعمل می آورند.

So do the constitutions of many of the new African states, such as Tanzania



.and Malawi

بسیاری از قوانین اساسی دولتهای آفریقای جدید مثل تانزانیا و مالاوی اینگونه هستند(از احزاب سیاسی سخن بسیاری بعمل می آورند)

Where the central fact of the nation's political life is the domination of
a single party endowed with a monopoly of power, it is to be anticipated that the
.constitution will not ignore the subject

در جاییکه حقیقت مرکزی حیات سیاسی یک ملت برتری حزب واحد میباشند که به آن قدرت انحصاری واگذار شده
است. اینگونه پیش بینی میشود که قانون اساسی چنین کشوری موضوع را نادیده نخواهد گرفت .





Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Selected Sections of the Constitution of

The Islamic Republic of Iran

۳ Chapter

The Rights of the People

حقوق مردم



۱۹ Principle

اصل ۱۹

The people of Iran, of whatever ethnic or tribal origin, enjoy equal rights; and
.colour, race, language, and the like shall not be grounds for privileges

مردم ایران از هرگونه ریشه قومی و قبیله ای که می‌خواهند باشند از حقوق برابر برخوردار می‌گردند و رنگ پوست، نژاد، زبان و از این قبیل پایه ای برای مزیت نخواهد بود.

۲۰ Principle

Every individual member of the nation, whether female or male, shall have equal
protection under the law, and shall be entitled, with due observance of the Islamic
.principles, to all human, political, economic, social and cultural rights



هر عضو ملت ما خواه زن خواه مرد از حمایت برابر در مقابل قانون برخوردار خواهند بود و بارعایت مقتضی اصول اسلامی از تمامی حقوق اسلامی ، سیاسی ،اقتصادی ،اجتماعی وفرهنگی برخوردار خواهند بود.

۲۱ Principle

The Government is obliged, with due observance of the Islamic principles, to
:guarantee women's rights in every respect, and to provide for the following

دولت ملزم است با رعایت مقتضی اصول اسلامی حقوق زنان را در هر زمینه ای تضمین کند و زمینه موارد ذیل را فراهم نماید.



1- Creation of favorable grounds for the fostering of women's personality and
;for the revival of their material and intellectual rights

ایجاد زمینه های مطلوب برای ترویج و گسترش شخصیت زنان و برای احیای حقوق مادی و معنوی آنها

2- Support of mothers, particularly during the period of pregnancy and child
;care, and protection of children without guardians

حمایت از مادران بویژه در طول دوره بارداری و مراقبت از کودک و حمایت از کودکان بدون سرپرست .

3- Setting up a competent court for the preservation of the integrity and
;continuation of the family

برقراری یک دادگاه صلاحیت دار برای حفاظت از کیان و تداوم خانواده.

4- Establishment of a special insurance scheme for the widows, the elderly
;women, and women without guardians

برقراری برپایه یک طرح بیمه خاص برای بیوه گان و زنان سالخورده و زنان بدون سرپرست



Conferring guardianship of children on competent mothers for the benefit of -0

.the children where there is no guardian recognized by The Shari'a

اعطای سرپرستی کودکان به مادران صلاحیت دار برای نفع و سود کودکان در جایی که سرپرستی وجود ندارد که از سوی شرع به رسمیت شناخته شود.

۱۰

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



۲۲ Principle

Dignity, life, property, rights, residence and occupation of people are inviolable

.except where it is permitted by the law

شان و اموال و حقوق و محل سکونت و شغل مردم غیر قابل تعرض می باشند بجز در مواردی که به موجب قانون به آنها اجازه داده می شوند.

۲۳ Principle

Inquisition of beliefs is forbidden and no one may be prosecuted for the mere

.possession of a certain belief

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده خاص تحت پیگرد قرار داد.



۲۴ Principle

Publications and the press are free to express their ideas unless such expression is injurious to the bases of Islam or public rights. Details will be provided by legislation.

انتشارات و مطبوعات آزاد هستند تا عقایدشان را بیان میکنند مگر در مواردی زیان آور به اسلام و قوانین عمومی باشد جزئیات بر اساس قوانین مقرر خواهند شد.

۲۵ Principle



Inspection and non - delivery of the mail, recording and revealing telephone conversations, disclosing telegraphic or telex messages, censorship, failure to transmit or deliver messages, eavesdropping and making any other searches whatsoever is prohibited except as provided by the law

بازرسی و عدم تحویل محمولات پستی ، ضبط و آشکار سازی مکالمات تلفنی ، افشای پیامهای تلگرافی ، سانسور و کوتاهی در انتقال پیامها ، استراق سمع و هرگونه تحقیق و بررسی دیگری به هر گونه ای که میخواهد باشد ممنوع است . مگر اینکه در قانون مقرر شده باشد.

۲۶ Principle

Political parties, associations, syndicates, and the Islamic or recognized religious minorities' societies are free, provided that they do not infringe upon the principles of independence, liberty, national unity, the Islamic precepts, and the foundation of the Islamic Republic; no one may be prevented from joining or forced to join them



احزاب سیاسی ، انجمنها و اتحادیه ها و جوامع اقلیتهای مذهبی به رسمیت شناخته شده آزاد هستند، مشروط بر آنکه آنها ناقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و اصول اسلامی و بنیاد جمهوری اسلامی نمی باشند. هیچ کس را نمی توان از پیوستن به آنها منع نمود و هیچ کس را نمی توان مجبور به پیوستن به آنها کرد.



Dr.

Talaie

۲۷ Principle

Unarmed gatherings and demonstrations are free unless they are injurious to the Islamic principles

اجتماعات غیر مسلح و تظاهرات آزاد هستند مگر اینکه زبان آور به اصول اسلامی باشد.



۲۸ Principle

Every person has the right to pursue the occupation of his or her choice, provided that it does not infringe on Islam, the public interests and the rights of others. With due regard to the needs of society for various occupations, the Government, is duty bound to provide equal employment opportunities for all individuals, as well as equal conditions for all to obtain an occupation.

هر شخصی از این حق برخوردار است که شغل مورد نظر خود را انتخاب کند مشروط بر آنکه آن شغل ناقض اسلام، منافع عمومی و حقوق دیگران نباشد. با توجه مقتضی به نیازهای جامعه برای شغل‌های گوناگون دولت متعهد و موظف است تا فرصت‌های شغلی برابر را برای همه افراد فراهم نماید و همچنین شرایط برابر را برای همگان فراهم سازد تا شغلی را بدست آورند.



۲۹ Principle

It is a universal right of all to enjoy social security for retirement, unemployment old-age, disability, lack of guardian, accidents, and to receive hygienic and medical treatment services and care under an insurance or similar scheme. The Government in accordance with the laws, is required by drawing on national revenues and the contribution of the public at large to provide such services and financial protections to each and every citizen of the state.

این یک حق جهانی برای همگان است تا از تامین اجتماعی برای بازنشستگی، بیکاری، سالخوردگی، ناتوانی، فقدان سرپرست، حوادث برخوردار گردند و خدمات و مراقبتهای بهداشتی و درمان پزشکی را به موجب یک طرح بیمه و یا طرح مشابهی بدست آورند. دولت مطابق با قوانین ملزم است تا با تکیه بر درآمدهای ملی و مشارکت جامعه به طور کلی چنین خدمات و حمایتهای مالی را برای هر یک از شهروندان دولت فراهم نماید.

۳۰ Principle



The Government is obliged to provide free educational facilities for the whole nation until the end of the secondary school and extend free higher education to the extent that the country meets its own needs

دولت ملزم است تا تسهیلات آموزشی رایگان را برای کل ملت تا پایان دوره تحصیلات متوسطه فراهم سازد و ملزم است تا آموزش عالی رایگان را تا حدی که کشور نیازهایش را برآورده سازد گسترش دهد .

۱۲

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



۳۱ Principle

It is the right of every Iranian individual and family to have an accommodation suitable for his or their needs. The Government is obliged to provide for the implementation of this principle, giving priority to those who are in more urgent need, particularly the rural inhabitants and workers.

این حق هر فرد ایرانی و خانواده ایرانی هست تا مسکنی مناسب با نیازش برخوردار باشند. دولت ملزم است تا زمینه اجرای این اصل را فراهم سازد و بایستی به کسانی اولویت دهد که نیاز ضروری تر دارد ، به ویژه ساکنان غیر شهری و کارگران .

۳۲ Principle

No one may be arrested except as required by the law and in the manner defined therein. When detained, the accused must be informed immediately in writing of hours, his ۲۴ the reasons of the charges against him or her. Within a maximum of or her preliminary file must be placed before competent judicial authorities and trial proceedings must be initiated as soon as possible. Violators of this principle shall be punished according to the law.

هیچ کس را نمیتوان بازداشت نمود بجز بدان صورتی که بر اساس قانون لازم شده است و بر اساس روشی که در



قانون تعیین شده است زمانی که شخص متهم بازداشت می شود متهم بایستی بلافاصله به طور کتبی در خصوص دلایل مربوط به اتهامات بر ضد وی آگاه شود.

۲۳ Principle

No one may be exiled from his or her place of residence, or prevented from living in a place of his or her choice, or coerced to live in a place, except in such cases as determined by the law

هیچ کس را نمی توان از مکان اقامتش تبعید نمود و یا از زندگی کردن در یک مکانی به انتخاب وی جلوگیری نمود و یا وی مجبور نمود در مکانی زندگی نماید بجز در مواردی که در قانون تعیین کرده است .

۲۴ Principle



It is the unquestionable right of every individual to seek redress, and every person can refer to competent courts for redress. All members of the nation are entitled to have access to such courts and no one may be prevented from referring to the court to which he or she can turn according to the law.

این حق مسلم هر فردی است تا دادخواهی نماید و هر فردی می تواند به دادگاههای صلاحیت دار برای دادخواهی مراجعه نماید. تمامی اعضای ملت حق دارند تا به چنین دادگاههایی دسترسی داشته باشند و هیچ کس نمی تواند از مراجعه به دادگاهی که وی بر طبق قانون به آن دادگاه مراجعه نماید منع نمود.

۲۵ Principle

Before all courts, the parties to a case have the right to choose their attorneys and if they cannot afford to have an attorney, the possibilities of appointing an attorney must be provided for them.

در نزد همه دادگاهها اطراف یک قضیه از این حق برخوردار هستند تا وکلایشان را انتخاب نمایند و



اگر آنها استطاعت نداشته باشند تا یک وکیلی داشته باشند امکان انتخاب وکیل بایستی برای آنها فراهم شود.

۱۳

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



۳۶ Principle

The imposition of a sentence and the ordering of its enforcement must be done only
through a competent court and in accordance with the law

تحمیل یک حکم و دستور به اجرای آن بایستی از سوی دادگاه صالح و مطابق قوانین .

۳۷ Principle

Innocence is presumed, and no one, in the eyes of the law, may be considered
guilty unless his/her guilt is proven in a competent court

بی گناهی فرض میشود و هیچ کس از نظر قانون مقصر یا گناهکار شناخته نمی شود مگر آنکه تقصیر یا گناه وی در
دادگاه صلاحیت دار ثابت شود .



۳۸ Principle

Torture of whatsoever kind, in order to obtain confession or information, is forbidden. It is forbidden to coerce a person to give testimony, to confess or to take an oath. Such a testimony, confession or oath is void and without legal effect

شکنجه به هر صورتی و به هر نوعی برای بدست آوردن اعتراف یا اطلاعات ممنوع می باشد این ممنوع است که شخصی را مجبور به دادن شهادت، اعتراف نمودن و یا سوگند یاد نمودن کرد. چنین شهادتی، اعترافی و سوگندی باطل است و فاقد اثر حقوقی می باشد.

۳۹ Principle

It is forbidden and punishable to violate, in any form, the honour or dignity of an individual who has been arrested, detained, imprisoned or exiled in accordance with the law

این ممنوع است و قابل مجازات است تا به هر شکلی شرافت و حیثیت شخصی را نقض نمود شخصی که تحت



توقیف قرار دارد یا در بازداشت هست و یا تبعید میشود، مطابق با قانون

ε - Principle

No one is entitled to exercise his rights in such a way as to cause damage to others

.or infringe upon public interests

هیچکس از این حق برخوردار نیست تا حقوقش به راهی به اجرا در آورد که موجب ورود آسیب به دیگران گردد و یا ناقض منافع عمومی باشد.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

۴۱ Principle

The right to Iranian nationality is an inherent right of all Iranian individuals, and the Government cannot deprive any Iranian of his/her nationality unless the individual so requests or else when a person acquires the nationality of another state.

حق برخورداری از تابعیت ایرانی یک حق ذاتی برای همه افراد ایرانی است و دولت نمی تواند هر ایرانی را از تابعیتش محروم نماید مگر آنکه آن فرد آنگونه درخواست نموده است یا به صورت دیگر زمانی که یک شخص تابعیت یک دولت دیگر را به دست می آورد.



۴۲ Principle

Foreign nationals may, within the limits prescribed by the law, acquire Iranian nationality. They may be deprived of Iranian nationality only when they so request .or when another state grants them its nationality

اتباع خارجی می‌توانند در چهارچوب محدوده های توصیف شده بر اساس قانون تابعیت ایران را بدست آورند. آنها می توانند از تابعیت ایرانی محروم شوند فقط زمانی که آنها اینگونه درخواست می نمایند یا زمانی که دولت دیگری تابعیتش را به آنها اعطا می نماید.



۱۱ Chapter

The Judiciary

قوه قضائیه

۱۵۶ Principle

The judiciary is an independent branch whose task is to protect individual and social rights and is responsible for the administration of justice. The judiciary is also entrusted with the following duties

قوه قضائیه ، قوه مستقلی است که وظیفه اش حمایت از حقوق فردی و حقوق اجتماعی است و مسوول اجرای عدالت است و همچنین به قوه قضائیه وظایف ذیل اعطا میشود :

To investigate and decide upon grievances and complaints; to settle disputes (۱)
and to take necessary decisions on such probate affairs as determined by
;law



بررسی و تصمیم گیری در خصوص دادخواهی ها ، بی عدالتی ها و شکایتها ، حل و فصل اختلافات و اتخاذ تصمیمات ضروری در خصوص اموری مثل امور حسبی آنگونه که از طریق قانون تعیین میشود.

To restore the rights of the public and to promote justice and legitimate (۲)

;freedoms

احیای حقوق جامعه و ترویج عدالت و آزادی های مشروع

;To supervise over the proper functioning of the law (۳)

نظارت بر اجرای صحیح قوانین

Legal

Text

۲



Dr. Talaie

To defect crimes; to prosecute and punish offenders and to execute the (۴)

;Hudud and the provisions of the Islamic panel code

کشف جرایم، پیگرد قانونی و مجازات مجرمانو اجرای حدود و مقررات مندرج در مجموعه قواعد و مقررات کیفری
اسلامی

.To take proper measures to prevent crime and to rehabilitate criminals (۵)

اتخاذ تصمیمات صحیح و مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان



۱۵۷ Principle

In order to discharge the duties of the judiciary in all judicial, administrative and executive affairs, the Leader shall appoint a sagacious even - handed Mojtabeh (theologian) possessed of judicial knowledge and management capabilities as the Head of the Judiciary, the highest judicial rank, for a period of five years

به منظور انجام تمامی وظایف قوه قضاییه در تمام امور قضایی، اداری، و اجرایی رهبر یک مجتهد بصیر بی طرف (روحانی) که داری دانش قضایی می باشد و از قابلیت های مدیریتی برخوردار هست به عنوان رئیس قوه قضاییه منصوب خواهد نمود. آن هم به عنوان شخصی که بالاترین قوه قضاییه را دارد آن هم ه مدت 5 سال.



Principle ۱۵۸

:The duties of the Head of the Judiciary are as follows

وظایف رئیس قوه قضائیه بدان صورت است که در ذیل می آید:

To create necessary judicial organizations in the Judiciary as required to (۱)

;۱۵۶ fulfill the responsibilities envisaged under principle

ایجاد نهادهای قضایی ضروری در قوه قضائیه برای انجام مسئولیتهای درج شده در اصل ۱۵۶ لازم می باشد .

;To prepare judicial bills appropriate for the Islamic Republic (۲)

تهیه لوایح قضایی مناسب برای جمهوری اسلامی

To recruit competent and righteous judges, and any to administer their (۳)

appointment, dismissal, promotion, assignment, transfer and any other



.similar administrative affairs in accordance with the law

استخدام قضات صلاحیت دار و درستکار و انتصاب ،از ترویج و تغییر سمت انتقال و امور اداری دیگر بر طبق قانون .

۱۵۹ Principle

The official authority to deal with litigations and complaints rests with the
Judiciary. Formation of Courts of Justice and their jurisdiction shall be determined
by the law

صلاحیت رسمی برای رسیدگی به دعاوی و شکایتها بر عهده قوه قضاییه میباشد تشکیل دادگاههای عدالت و تعیین صلاحیت های آنها بر طبق قوانین شخص خواهند شد.



۱۶۰ Principle

مطالب حقوقی بیشتر در: [/https://irlawyers.ir](https://irlawyers.ir) --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: [/https://229-415.ir](https://229-415.ir)



The Minister of Justice shall be responsible for all matters concerning relations of the judiciary with the executive and legislative branches, and shall be appointed from among the candidates recommended to the President by the Head of the Judiciary.

وزیر دادگستری در خصوص تمام موضوعات در مورد قوه قضاییه با شاخه های اجرایی و قانون گذاری مسئول است و از میان نامزدهایی منصوب خواهد شد که از سوی رئیس قوه قضاییه به رئیس جمهور توصیه میشود.

The Head of the Judiciary may delegate to the Minister of Justice full powers in matters of finance, administration, and also in respect to the employment of the non-judicial staff.

رئیس قوه قضاییه میتواند اختیارات کامل را در خصوص موضوعات مالی اداری و همچنین در خصوص استخدام کارکنان غیر قضایی به وزیر دادگستری اعطا کند.



Upon this delegation of authority, the Minister of Justice
shall have the same powers and duties as those stipulated by law for the ministers
the highest executive officials

به دنبال چنین اعطای اختیار وزیر دادگستری از همان اختیارات و وظایفی برخوردار خواهد بود که بر اساس قانون
برای وزیران به عنوان بالاترین مقامات اجرایی تعیین شده است .



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

۱۶۱ Principle

The Supreme Court shall be formed on the basis of the criteria set forth by the Head of the Judiciary in order to supervise the proper administration of laws by the courts of justice, to maintain Judicial consistency and to perform the responsibilities entrusted to it by the law

دیوان عالی از سوی معیار هایی که از سوی رئیس قوه قضاییه مشخص میشوند تشکیل میشوند. آن هم به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین از سوی دادگاههای عدالت، حفظ سازگاری قضایی و اجرای مسئولیتهایی که بر اساس قانون بر آن دیوان واگذار میشود.

۱۶۲ Principle



- The President of the Supreme Court and the Prosecutor - General must be even handed Mojteaheds (theologians) well versed in judicial matters, and shall be appointed by the Head of the Judiciary in consultation with the judges of the Supreme Court for a period of five years

رئیس دیوان عالی و دادستان کل که بایستی از مجتهدان یا روحانیون بی طرف و آگاه به موضوعات قضایی باشند از سوی رئیس قوه قضاییه و پس از مشورت با قضات دیوان عالی برای مدت 5 سال منصوب خواهند شد.

۱۶۳ Principle

The requisite qualifications of Judges shall, in conformity with the principles of Islamic jurisprudence, be determined by the law

شرایط لازم قضات هماهنگ با اصول فقه اسلامی بر اساس قانون تعیین خواهد شد.



Principle ۱۶۴

Judges shall not be dismissed, either provisionally or permanently, without trial and establishment of the guilt grounding such dismissal; nor shall they be transferred or given different positions without their consent, save where the interests of the society require otherwise and it has been so decided by the Head of the Judiciary in consultation with the President of the Supreme Court and the Prosecutor- General.

The periodic rotation of judges shall take place according to the procedure determined by the law.

قضات چه به صورت موقتی چه به صورت دائمی بدون انجام دادرسی و اثبات تقصیری که پایه چنین برکناری را تشکیل میدهد. از کارشان رکنار نخواهند شد و همچنین بدون رضایت آنها از جایی به جای دیگر منتقل نخواهند شد و یا سمتهای متفاوتی به آنها واگذار نخواهد شد به جز در مواردی که منافع جامعه به صورت دیگر چنین اقتضایی را دارد و آن هم پس از آنکه چنین تصمیمی از سوی رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی و دادستان کل اتخاذ میشود. چرخش دوره ای قضات بر طبق روشی انجام میشود که بر اساس قانون تعیین میشود.



۱۷

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Principle ۱۶۰

Trials shall be held in open sessions allowing public attendance; unless the court



decides that open session would be *contra bonos mores* or against public policy, or
when, in private litigations, the parties request that the trial be held in camera

دادرسی ها در جلسات علنی برگزار خواهند شد که اجازه حضور عمومی داده خواهد شد مگر اینکه دادگاهها در خصوص اینکه برگزاری جلسات علنی مخالف با اخلاق عمومی یا بر ضد سیاست عمومی باشد تصمیم گیری نماید و یا در زمانیکه در دعاوی خصوصی طرفین دعوی از دادگاه درخواست می نمایند مه دادرسی در جلسه بسته برگزار نشود.

۱۶۶ Principle

Court decisions and judgments shall be reasoned and supported by the underlying
statutory provisions and the principles upon which the judgment has been made

تصمیمات و احکام دادگاهها باید مستدل باشد و بایستی بر اساس مقررات قانونی استناد شده حمایت شوند و بایستی بر اساس اصولی شوند که حکم بر پایه آنها تنظیم شده است .



۱۶۷ Principle

Judges are bound to endeavour to base their decisions on the applicable statutory provisions in each, and failing that they must decide the case by relying on authoritative sources of the Islamic law or on valid Fatvas. They may not refuse to adjudicate a case and, hence, withhold judgment on the pretext that the laws on the issue are silent, defective, ambiguous, or inconsistent.

قضات ملزم هستند تا تلاش نمایند که تصمیم هایشان را بر پایه مقررات قانونی قابل کاربرد در هر مورد استوار نمایند و در صورتیکه چنین امکانی وجود نداشته باشد آنها بایستی در خصوص آن قضیه بر اساس منابع معتبر حقوق اسلامی یا فتاوی معتبر تصمیم گیری کنند. قضات نمی توانند از رسیدگی به یک قضیه خودداری نمایند و بدین ترتیب با سند به اینکه قانون نسبت به مسئله ساکت، ناقص مبهم یا ناسازگار هستند از صدور حکم خودداری کنند.

۱۶۸ Principle



Political and press offences shall be heard in open sessions of the Courts of Justice in the presence of a jury. The procedure for the appointment of jury members, their eligibility and jurisdiction as well as the definition of a political offence shall, in accordance with Islamic precepts, be determined by the law

جرائم سیاسی و جرایم مطبوعاتی در جلسات علنی دادگاههای عدالت و با حضور یک هیئت منصفه مورد رسیدگی واقع خواهند شد . روش انتصاب اعضای هیئت منصفه شرایط آنها و صلاحیت آنها و همچنین تعریف یک جرم سیاسی بر طبق موازین اسلامی از سوی قانون تعیین خواهد شد .

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



۱۶۹ Principle

No act or omission shall be considered *ex post facto* as an offence by a subsequent legislation.

عمل یا ترک عملی به موجب قانونی که پس از انجام یک جرم تصویب میشود جرم تلقی نمی شود.

۱۷۰ Principle

Judges of the courts of justice are bound to refrain from the execution of any Government ordinances and by-laws which prove to be contrary to Islamic laws and precepts or exceed the powers of the executive branch. All individuals are entitled to request the Administrative Court to annul such decrees and regulations.

قضات دادگاه عدالت متعهد و ملزم هستند تا از اجرای هر یک از بخش نامه ها و آیین نامه های دولتی که ثابت کرده



است که در خلاف موازین اسلامی می باشد و یا در ورای اختیارات قوه مجریه پذیرفته میشوند خودداری نمایند. تمامی افراد از این حق برخوردار هستند تا از دیوان عدالت اداری درخواست نمایند تا چنین فرمانها و مقرراتی را لغو نمایند.

۱۷۱ Principle

In case an individual should suffer material or moral damage as a result of a judge's error or misinterpretation regarding matters of fact, or of law or applying the latter, to the former, the judge, if at fault, shall be liable according to the Islamic precepts otherwise the loss shall be compensated by the Government and, in any event, the reputation of the accused shall be restored.

در صورتی که فردی در نتیجه اشتباه قاضی یا تفسیر نادرست قاضی در خصوص واقعیت موضوع یا در خصوص اجرای قانون و یا به کارگیری قانون در مورد موضوع آسیب مادی یا اخلاقی متحمل گردد در صورتیکه قاضی مقصر باشد بر طبق موازین اسلامی مسئول خواهد بود و در غیر این صورت ضرر و زیان از سوی دولت جبران خواهد شد و در هر حالتی از شخص متهم اعاده حیثیت خواهد شد.



۱۷۲ Principle

Military courts shall be formed in accordance with the law to adjudicate the offences related to the special military or security duties of the personnel of the Armed forces, Gendarmerie, Police and the Guardian Corps of the Islamic Revolution. However, ordinary offences of such personnel or the offences committed by them as law enforcement officers shall be considered by the ordinary courts of justice. The Military Prosecution Office and Courts shall be an integral part of the Judiciary of the State and shall be subject to the provisions relating to this branch.

دادگاههای نظامی بر طبق قانون تشکیل خواهند شد تا به جرایم مربوط به وظایف نظامی یا امنیتی خاص کارکنان نیروهای مسلح، ژاندارمری، پلیس و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسیدگی نمایند. به هر حال جرایم عادی چنین کارکنانی و یا جرائمی که از سوی آنها به عنوان ماموران اجرای قانون ارتکاب یافته اند از سوی دادگاه معمولی عدالت مورد رسیدگی واقع خواهند شد. اداره دادستان نظامی و یا دادگاههای نظامی جز جدایی ناپذیر از قوه قضاییه دولت میباشند و تابع مقررات مربوط به این قوه خواهند بود.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Principle ۱۷۳

A tribunal called the Administrative Court of Justice shall be formed under the



,supervision of the Head of the Judiciary in order to investigate complaints
grievances and objections of the public against the Government officials, units or
government by – laws and to redress peoples’ rights. The jurisdiction and the
procedure of this tribunal shall be determined by the law

دیوانی که دادگاه عدالت اداری نامیده میشود پیرو نظارت رئیس قوه قضاییه تشکیل خواهد شد به منظور آنکه به شکایتها و دادخواهی ها و اعتراضات جامعه بر ضد مقامات دولتی و یا آیین نامه های دولتی رسیدگی شود و از حقوق مردم دادخواهی بشود. صلاحیت در روش کار این دیوان بر اساس قانون تعیین خواهد شد.

۱۷۴ Principle

Pursuant to the right of supervision of the Judiciary to ensure the proper conduct of



affairs and due compliance with laws by the administrative bodies, an institution by the name of the General State Inspectorate Organization shall be formed under the supervision of the Head of the Judiciary. The jurisdiction and the functioning procedure of this institution shall be determined by the law

پیرو حق نظارت قوه قضائیه مبنی بر اینکه از اجرای صحیح امور و رعایت مقتضی قوانین از سوی نهادهای اداری اطمینان حاصل نماید نهادی به نام سازمان بازرسی عمومی دولتی تحت نظارت رییس قوه قضائیه تشکیل خواهد شد. صلاحیت و روش کار این نهاد بر اساس قانون تعیین میشود.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Organs of the State

the International Court of Justice ,۱۹۷۵ ,Although in the Western Sahara Case expressed the opinion in the majority judgment that ‘no rule of international law requires a state to have any definite or predetermined structure’ most states, in the course of time, institute a structure which includes the following five permanent organs:



اگرچه در قضیه صحرای غربی سال 1975 میلادی دیوان بین المللی دادگستری در حکم اکثریت این نظر را ابراز نمود که هیچ قاعده ای از حقوق بنام یک دولت را ملزم نمی نماید تا هر ساختار قطعی یا از پیش تعیین شده ای را داشته باشد بیشتر دولتها در جریان زمان ساختاری را تشکیل داده اند که 5 نهاد دائمی زیر را در بر میگیرند:

(۱) a head of state; رئیس دولت

(۲) a government; یک دولت

(۳) a diplomatic service; یک هیئت دیپلماتیک

(۴) a consular service; and یک هیئت کنسولی

(۵) the armed forces of the state نیروهای مسلح دولت

Thus although not necessary-in the sense that international law does not require
their existence - these organs are, in terms of the state's international relations
highly useful; indeed, without them no state can fully take advantage of the body of
rules and permitted faculties comprised within the international legal system. A
state lacking a consular service can hardly protect the interests of its nationals
abroad. A state without armed forces, as Japan, must depend for its survival upon
the protection of another state or states



بدین ترتیب اگرچه وجود این نهادها ضروری نیست بدین معنا و مفهوم که حقوق بین المللی وجود آنها را لازم نمی داند این وجود نهادها در خصوص روابط ب م دولت بسیار مفید هستند و در واقع بدون این نهادها هیچ دولتی نمی تواند به طور کامل از مجموعه قواعد و امکانات مجازی که در چهارچوب نظام ب م هست برخوردار گردد. دولتی که فاقد یک هیئت کنسولی است به سختی میتواند از منافع اتباعش در خارج از کشور حمایت به عمل آورد. دولتی که فاقد نیروهای مسلح هست مانند ژاپن بایستی برای بقایش به حمایت دولت یا دولت های دیگر تکیه نماید

The Swiss Government is a seven - man

Federal Council, with a rotating presidency, the president for the time being having

.the status of head of state

.دولت سوئیس از یک شورای فدرال 7 نفره تشکیل میشود که ریاست آن دوره ای می باشد و رئیس این شورا در حال حاضر از موقعیت رئیس دولت برخوردار است .

Under the constitution the president is forbidden to go

abroad during his term of office, so that, were he to do so, the question whether he

would be treated with the dignity of a visiting head of state must remain

.hypothetical

به موجب قانون اساسی سوئیس ، رئیس شورای فدرال از رفتن به خارج از کشور در طی دوره تصدی اش منع



شده است به گونه ای که اگر وی به خارج برود این سوال که آیا با وی در شان و مقام یک رئیس دولت دیدار کننده رفتار خواهد شد یک مسئله فرضی باقی میماند.

A state may be represented either by an organ or by an agency. An organ' is a part of the state while an 'agency' is separate from it, the relationship being one of principal and agent

یک دولت ممکن است از سوی یک نهاد یا آژانس نمایندگی شود. یک نهاد بخشی از یک دولت است در حالیکه یک نمایندگی جدا است و رابطه میان آنها مانند رابطه اصل و نماینده است. یک نهاد بخشی از یک دولت هست در حالیکه یک نمایندگی جدا است و رابطه میان آنها مانند رابطه اصل و نماینده است.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

How a state organizes itself for its internal affairs is a matter of little direct
concern to international law

اینکه چگونه یک دولت خودش را برای انجام امور داخلی اش سازمان دهی می نماید موضوعی
است که ارتباط مستقیم کلی با حقوق بین المللی دارد



The constitution of each state will lay down the division of powers and functions between such of its organs as it may deem useful and necessary.

قانون اساسی هر دولتی چگونگی توزیع اختیارات و وظایف را میان نهادهایش وضع می نماید بدان گونه که آن دولت ممکن است مفید یا ضروری بداند.

Since the constitutions of states differ, the organs used for the conduct of their internal affairs will also differ from state to state.

از آنجایی که قوانین اساسی دولت ها از یک دیگر تفاوت دارند نهادهایی که برای اجرای امور داخلی آنها مورد استفاده واقع می شود همچنین از دولتی به دولت دیگر تفاوت می نماید.

By contrast, all states possess the same organs for the conduct of their external relations, a phenomenon which is both an illustration and a consequence of the legal equality of states.



**در مقابل همه دولت ها از نهادهای یکسانی برای انجام امور روابط خارجه برخوردار هستند
پدیده ای که هم نشانه ای هم نتیجه ای از برابری حقوقی دولت ها می باشد.**

In addition, states may send or maintain abroad temporary or permanent establishments of various kinds, as for example, trade delegations, information centers, tourist offices, state airline offices, hostels for visiting members of the merchant marine, offices for the payment of state pensions

**به عداده دولت ها ممکن است نهادهایی از انواع گوناگون را به صورت موقتی یا به صورت دائمی
به خارج اعزام نمایند و آنها را حفظ نمایند نهادهایی مانند هیأت نمایندگی تجاری ، مراکز اطلاع
رسانی ، دفتر جهانگردی ، خطوط هوایی دولتی ، اقامتگاه ها برای اعضای دیدارکننده ناوگان
دریایی تجاری و دفاتر مربوط به پرداخت حقوق دولتی.**

None of these can be considered an organ of the state for its external relations, although each of them represents the state abroad for matters falling within its competence as an agent or agency of the state



هیچ یک از این نهادها نمی توانند به عنوان نهادی از دولت از در رابطه با روابط خارجی این در نظر گرفته شوند اگر چه هر یک از آنها دولت را در خارج از کشور برای موضوعاتی که در داخل صلاحیت آنها به عنوان یک نماینده دولت قرار می گیرند نمایندگی می نمایند.

Moreover it may be represented by as many different agents or agencies as it wishes

به علاوه دولت ممکن است از سوی هر تعدادی از نمایندگ یها ، نمایندگی شود بدان صورت که تمایل دارد.

We are only concerned with state agencies in the context of the immunity of the state from the courts of other states

ما فقط در ارتباط با نمایندگی های دولت در 4 چوب مصوبیت دولت در مقابل دادگاه های دولت های دیگر هستیم.



A state may find it convenient to conduct *ad hoc* diplomacy, that is, to regulate certain matters through the use of a diplomatic mission not part of the regular diplomatic service but specially created for the purpose of the mission, and dispersed on its termination.

یک دولت ممکن است مناسب بداند تا دیپلوماسی موقت ویژه ای را به اجرا در آورد بدین



معنا که موضوعات معینی را از طریق استفاده از یک هیئت دیپلوماتیکی که قسمتی از هیئت دیپلوماتیکی معمول نیست بلکه برای هدف آن هیئت (مأموریت) بطور خاص ایجاد شده است تنظیم نماید و چنین هیئتی در خاتمه مأموریتش منحل می شود.

.This institution is now known as the' special mission

این فرآیند اکنون عنوان یک مأموریت ویژه شناخته می شود.



It is a consequence of the sovereignty which each state exercises over its territory that no other state may, without permission, exercise its authority therein in any form whatsoever

این یک نتیجه حاکمیت است که هر دولتی نسبت به سرزمینش به اجرا درمی آورند به این معنی که هیچ دولت دیگری قادر نیست (نمی تواند) بدون اجازه آن دولت اقتدارش را در آن کشور (در سرزمین آن دولت) به هر شکلی یا هر صورتی به اجرا درآورد و تحت هیچ شর্তیطی یک دولت خارجی نمی تواند حاکمیتش را در سرزمین دیگر به اجرا درآورد.

However, for the daily conduct of its external relations each state grants permission to other states to establish such permanent missions (diplomatic and consular missions) as may be necessary for the sending state and convenient for the receiving state

به هر حال برای انجام روزانه امور مربوط به روابط خارجی اش هر دولتی این اجازه را به دولت دیگر اعطاء می نماید تا هیئت های دائمی مانند هیئت های دیپلماتی و کنسولی را در



سرزمین آن دولت بر قرار سازند بدان گونه که ممکن است برای دولت فرستنده ضروری می باشد و برای دولت پذیرنده مناسب باشد.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

.Such permission is granted on a basis of reciprocity .



چنین اجازه ای بر اساس رفتار متقابل اعطا می شود.

With respect to diplomats and consuls, the nature and extent of the authority which the sending state may exercise within the territory of the receiving states is well defined in the enumeration of the functions of diplomats and consuls

درخصوص دیپلمات ها و کنسول ها ماهیت و حدود اقتداری که دولت فرستنده می تواند در داخل سرزمین دولت های پذیرنده به اجرا در آورد به خوبی در بر شمردن وظایف دیپلمات ها و کنسول ها تعریف و تعیین می شوند.



In other cases the extent of this authority must be agreed with the receiving state in advance of the visit (for example, with respect to heads of states, members of the government, and the armed forces).

**در موارد دیگر چنین اقتداری باید پیش از انجام دیدار با دولت پذیرنده توافق شود.
(برای مثال درخصوص دیدارهای رؤسای دولت ها ، اعضاء حکومت ها و اعضای نیروهای مسلح)**

However, the public authorities of two different states cannot operate under the law of one of them, so that a necessary corollary of the grant of permission to perform any public function of the sending state in the territory of the receiving state is the allocation to the former of as extensive an immunity from the law of the latter as may be necessary to permit the function to be performed.

به هر حال اقتدارات عمومی دو دولت متفاوت نمی توانند به موجب قانون یکی از آن دو به



اجراء در آيند به گونه اى كه نتيجه ضرورى اعطاي اجازه براى اجراى هر وظيفه عمومى دولت فرستنده در سرزمين دولت پذيرنده اختصاص ميزان گسترده اى از مصونيت در مقابل قانون دولت پذيرنده به دولت فرستنده مى باشد بدان گونه كه ممكن است براى انجام آن وظيفه ضرورى مى باشد.

A state may refuse to permit a foreign state to establish an embassy or consulate on its territory, but if it permits it to do so, it is bound by a rule of international law to grant the requisite amount of immunity from the operation of its law

يك دولت ممكن است از دادن اجازه به يك دولت خارجى مبنى بر برپا نمودن يك سفارتخانه و يا يك كنسولگري در مرز نشين خوددارى نمايد اما اگر آن دولت چنين اجازه اى را به آن دولت (دولت خازمى) بدهد آن دولت متعهد و ملزم است به موجب يك قاعده بين المللى تا ميزان لازمى از مصونيت رادر مقابل اجراى قانونى به آن دولت اعطا نمايد.

The general rule may therefore be postulated that a state is bound to accord to the representatives of other states admitted into its territory and permitted to



perform there some function involving the exercise of public authority, such
measure of immunity from its own law as may be required to permit this function
to be performed.

بنابر این قاعده کلی ممکن است اینگونه فرض شود که یک دولت ملزم تا به نمایندگان
دولتهای دیگری را به سرزمینش پذیرفته شده اند و به آنها اجازه داده شده است که در آن
سرزمین وظایفی را به اجرا درآورند مستلزم اجرای اقتدار عمومی می باشد آن میزان از
مسئولیت را مطابق قانونی به آنها اعطاء نماید که ممکن است برای انجام چنین وظایفی
لازم باشد.

The precise extent of this immunity will depend in the first place
upon the nature and scope of the function of each type of representative

**حدود دقیق چنین مصوونیتی در دهه اول به ماهیت وظیفه هر یک از انواع نمایندگان بستگی
خواهد داشت.**



,However

other considerations besides the 'functional' have been taken into consideration in considering the extent of immunity in certain cases (for example, the dignity due to (a visiting head of state or government

به هر حال ملاحظات دیگری علاوه بر ملاحظه ناشی از انجام وظیفه در نظر گرفته شده است تا میزانی از مصونیت در موارد معینی اعطاء شود برای مثال درخصوص شأن نظام در خور رئیس دولت دیدار کننده و یا رئیس حکومت دیدارکننده



Thus, the granting of immunity to the organs of states, and to the state itself in the person of its agents and agents and agencies, is merely the consequence of .permitting such organs and agencies to perform their state functions abroad

بدین ترتیب ، اعطاء مصونیت به نهادهای دولت و خود دولت که در وجور نمایندگان و نمایندگی های آن دولت نمود پیدا می کند صرفاً نتیجه اجازه به چنین نهادها نمایندگان و نمایندگی هاست تا بتوانند وظایف دولیشان رل در خارج از کشور به اجرا بگذارند.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



The Head of state

رییس دولت

Traditionally, intercourse between states was considered to flow between one sovereign and another

به طور سنتی رابطه میان دولتها ، اینگونه در نظر گرفته می شد که میان یک مقام حاکمه و مقام حاکمه دیگر برقرار می گردد.

,Treaties were agreements between monarchs, which consequently, bound the states; and diplomatic envoys were accredited personally to the head of the receiving state from his 'brother' in the sending state

معاهدات ،توافقاتی میان مقامات سلطنتی بودند که در نتیجه ، دولتها را ملزم می نمودند و نمایندگان دیپلماتیک شخصا از سوی رییس دولت فرستنده به برادرش یعنی رییس دولت پذیرنده ارسال می شوند.



Traces of

this 'personalized' state may be found in modern international law, in the rule that obliges the sending state to accredit ambassadors, envoys and ministers to the head of the receiving state, and in the rule which treats the head of state as competent to speak for and bind the state in its international relations, for example, by his signature of a treaty

شناسه هایی از چنین دولت شخصی گرایی ممکن است در وجود قاعده در حقوق ب م نوین یافت شود که دولت فرستنده را ملزم می نماید تا سفیران فرستندگان ویژه و وزیرانی را به رئیس دولت پذیرنده اعزام نماید و همچنین در وجود این قاعده یافت میشود که با رئیس دولت به عنوان شخص صلاحیت داری برخورد میشود که میتواند در چهارچوب روابط بین المللی دولت از طرف آن دولت سخن بگوید و آن دولت را ملزم سازد برای مثال از طریق امضای یک معاهده .



These rules apply irrespective of his constitutional position, of whether he is 'monarch' or 'president', and of whether the office of head of state is vested in one man or a council

این قواعد ، قطع نظر از اینکه چه موقعیتی در ق اساسی برای ان شخص در نظر گرفته باشد خواه که وی یک مقام سلطنتی باشد یا یک رئیس جمهوری باشد و قطع نظر از اینکه مقام رئیس دولت به یک شخص و یا یک شورا واگذار شده باشد به کار می روند.

Certain rules of protocol (precedence in state processions, etc.) still distinguish between monarchs and presidents

قواعد معینی در خصوص تشریفات (رویه ای مربوط به مراسم دولتی و غیره) وجود دارند که هنوز میان مقامات سلطنتی و رئیس جمهور تمایز را ایجاد می نمایند.

Several states have made it a criminal offence to offend the dignity of a friendly foreign head of state



دولت های بسیاری از اهانت به شأن و مقام یک رئیس دولت خارجه دوست را جرم کیفری در نظر گرفته اند.

This is of particular importance in relation to the law
of defamation

این نکته از اهمیت ویژه ای در مورد حقوق مربوط به افترا برخوردار است

.This may be considered a rule of comity

این ممکن است به عنوان قاعده دولتی در نظر گرفته شود.

Where the head of state is
also the effective head of government, as with the presidents of the United States of
America and of France, any restrictions on the freedom to criticize political



.decisions, through criticism of the person having taken them, seem unjustified

در جائیکه رئیس دولت هم چنین رئیس حکومت به طور موثر می باشد اینگونه که درخصوص رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا و فرانسه وجود دارد هرگونه محدودیتی درخصوص آزادی انتقاد از تصمیمات سیاسی آن هم از طریق انتقاد از شخصی که چنین تصمیماتی اتخاذ کردن به نظر می رسد که غیر قابل توجیه است.

The matter, however, is quite different where, at the request or with the consent of the receiving state, a foreign head of state visits its territory

به هر حال ، موضوع کاملاً متفاوت است در جائیکه بنابر درخواست یا با رضایت دولت پذیرنده یک رئیس دولت خارجی از سرزمین آن دولت دیدار می نماید.

,In this case

the duty on the receiving state to protect the life and dignity of the visitor must be considered absolute

در چنین موردی وظیفه دولت پذیرنده مبنی بر حمایت از جان و شأن و نظام ملاقات کننده بایستی مطلق در نظر گرفته شود.



Whether allowed, if so, under what conditions the personal
bodyguard and secret service escort of the head of state may accompany him is a
matter for bilateral agreement

**اینکه آیا محافظان شخصی و مأموران خدمات سری رئیس دولت این اجازه داده می شود که وی را
همراهی نمایند و تحت چه شرایطی اگر چنین اجازه ای داده شود می تواند وی را همراهی نمایند
موضوعی است که وابسته به توافق 2 جانبه می باشد.**



Legal

Text

۲

Dr. Talaie



A visiting head of state would appear to be absolutely immune from the operation of the criminal law of the territorial state

یک رئیس دولت دیدار کننده به نظر می رسد که به طور مطلق در مقابل اجرای حقوق کیفری دولت سرزمیونی و صون می باشد.

So far as immunity from the civil (or private) law is concerned, state practice and the case-law of national courts is uncertain

تا جائیکه به وصونیت حقوق مدنی با خصوصی مربوط می شود رویه دولت ها ، حقوق مبتنی در رسیدگی به قضایا در دادگاه ملی نا معین هستند.

Some states act on the assumption that the head of state can enjoy no greater immunity than the state itself, while others consider that he can be afforded no less immunity than granted to the highest ranking diplomatic agent, the



.ambassador

برخی از این دولتها بر اساس این فرض عمل می نمایند که رئیس دولت نمی تواند از میزان مصونیتی بیشتر از مصونیتی که به دولت اعطا می شود بهره مند گردد در حالیکه دولتهای دیگر اینگونه در نظر می گیرند که به وی نمی تواند به رئیس دولت مصونیتی کمتر از مصونیتی که به بالاترین نماینده دیپلمات از نظر رتبه یعنی مسفیر اعطا می شود ، اعطا گردد.

The correct approach may very well depend upon the status of the visit: it is inconceivable that while on a 'state visit' a head of state should be inconvenienced by court proceedings of any sort

دیدگاه صحیح ممکن است به خوبی به موقعیت دیدار از همه نوع بستگی داشته باشد این غیر قابل تصور است که در حالیکه یک رئیس دولت در حال انجام یک دیدار دولتی می باشند به واسطه جریان های دادرسی در دادگاه ها از هر نوع دچار مشکل شوند



Where the visit of the head of state is officially announced but is not a state visit' immunity must cover all official acts; moreover, the fact of receiving the permission of the authorities of the territorial state to enter the territory may be assimilated to the accrediting of an ambassador, thus entitling him to extensive immunity in relation also to his non- official acts

در حالیکه دیدار رئیس دولت به طور رسمی اعلام می شود اما چنین دیداری یک دیدار دولتی نمی باشد مصونیت بایستی تمامی اقدامات رسمی را در بر بگیرد در واقع ، این واقعیت که اجازه از سوی مقامات دولت سرزمینی دریافت می گردد تا وارد سرزمین آن دولت شود نمی تواند با اقدام یک سفیر مقایسه شود (شباهت داده شود) بدین ترتیب رئیس دولت از مصونیت گسترده ای در ارتباط با اقدامات غیر رسمی برخوردار می باشد.



On incognito visits, which are unknown to the authorities of the receiving state, there is, not surprisingly, hardly any state practice

درخصوص دیدارهای ناشناس مقاماتی که برای دولت پذیرنده هر رویه دولتی نا شناخته هستند به سختی رویه دولتها در این زمینه وجود دارد که چنین نکته ای تعجب آور نیست.

Nothing prevents a state from according a greater measure of immunity than is required by international law, nor from according such immunity to heads of 'states' having no independent existence in international law, and this case must be read in the light of these remarks.

هیچ چیز مانع از یک دولت نمی گردد تا میزان بیشتری از مصونین را در مقایسه با آن میزانی از مصونیت که بر اساس ب م لازم می باشد اعطا م ینماید و هیچ چیز مانع از یک دولت نمی گردد تا چنین مصونیتی را به رؤسای دولتهایی اعطا نماید که از موجودیت مستقلی در جامعه ب م برخوردار نیستند در چنین موردی بایستی در پرتو این ملاحظات مورد توجه قرار گیرد.



,As a matter of principle, a head of state, whose visit is unannounced cannot claim a similar immunity to that extended to his ambassador, although he may be thought entitled to the immunity accorded to his state

در اصل یک رئیس دولت که دیدارش اعلام نشده است نمی تواند مصونیتی مشابه با آن مصونیتی که به سفیرش نگرش داده می شود را ادعا کند اگر چه وی ممکن است اینگونه در نظر گرفته شود که از آن مصونیتی برخوردار است که به دولت متبوعش اعطا می شود.

In view of the recent trend to restrict state immunity to acts of public authority only and not to private law acts, this is less favorable than diplomatic immunity

با نظر به رویه اخیر در خصوص محدود نمودن مصونیت دولتها به اعمال اقتدار عمومی فقط ما و نه به اعمال و اقدامات مربوطه به خصوص چنین دیدگاهی در مقایسه با مصونیت دیپلمات کمتر مطلوب است.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

.As in all cases, immunity may be waived, and such a waiver must be expressed

**همچون سایر موارد مصونیت ممکن است صرف نظر شود و چنین صرف نظری باید ابرار
شود.**



However, unlike any other case, the waiver of immunity by the head of state can be made only by himself

به هر حال ، بر خلاف هر مورد دیگری ، صرف نظر کردن از مصونیت درخصوص رئیس دولت فقط می تواند از سوی خود وی انجام شود.

Immunity and protection are afforded to the office and not to the person

مصونیت و حمایتی که اعطا می شود به سمت و مقام اعطا می شود و نه به شخص.

Thus a monarch who has abdicated or a retired president ceases to be entitled

بدین ترتیب مقام سلطنتی کنه از مقام خود استعفا داده است و با یک رئیس جمهور بازنشسته نمی توانند از چنین مصونیتی برخوردار شوند.



A

.state may, nevertheless, extend some measure of protection as a matter of comity

با این وجود یک دولت ممکن است میزانی از حمایت را بر اساس تراکت به وی گسترش دهد.

The members of the head of state's family are entitled to the like immunity

.afforded to the head of state

اعضا خانواده رئیس دولت از همان مصونیتی برخوردار می باشد که به رئیس دولت اعطا شده است .

,State practice is silent with respect to presidents

although the case of monarchs is better illustrated. The members of the 'retinue' are

considered entitled to some immunity in relation to the performance of their official



.duties

اعضاء کمیته همراهان اینگونه در نظر گرفته می شوند که از میزانی از مصونیت در رابطه با اجرای وظایف رسمی برخوردار هستند.

However, the meaning of the term 'retinue' is unclear, although the members of the secret service of the visiting state and the personal bodyguard of the head of state probably fall within this category

به هر حال ، معنا و مفهوم این اصطلاح ، (همراهان) نا مشخص است اگر چه اعضای هیأت دولت دیدارکننده و معاقطان شخصی رئیس دولت به احتمال زیاد در 4 چوب این مقوله قرار می گیرند.



State practice has not yet
.elucidated these points

رویه دولت هنوز به این نکات روشنی نبخشیده است.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



Unitary and Federal Systems

نظام های متمرکز و فدرال

States may be described as unitary or federal depending upon the distribution of powers between central and local governments

دولت ها ممکن است یا به صورت دولت های متمرکز یا دولت های فدرال توصیف شوند بسته به اینکه توزیع اختیارات به دولت های مرکزی و محلی چگونه می باشد.

Modern states, even rather small

ones such as Denmark and Costa Rica, cannot be governed altogether from a central point

دولت های نوین، حتی آن دولت های نسبتاً کوچکی مانند دانمارک و کاستاریکا نمی توانند در کل از یک نقطه مرکزی تحت حکومت واقع شوند.



Almost all modern states find it necessary to have local as well as
.central governments

تقریباً همه دولتهای نوین لازم و ضروری می دانند تا هم از دولتهای محلی و هم از دولتهای مرکزی برخوردار باشند.

A unitary system differs from a federal system in the way this
.division of powers is made

یک نظام حکومتی متمرکز از یک نظام حکومتی فدرال تفاوت می نماید بر اساس را و روشی که چنین تقسیم اختیاراتی انجام می شود.

In a unitary system the central government defines and
.by hypothesis may redefine the powers of local government

در نظام حکومتی متمرکز، دولت مرکزی اختیارات دولتهای محلی را تعیین می کند و در صورتی که ضرورت داشته باشد می تواند اختیارات دولتهای محلی را دوباره تعیین کند.



In a federal system the powers of local government derive from a constitution that is not subject to change by the central government itself

در نظام حکومتی فدرال، اختیارات دولتهای محلی از یک قانون اساسی ناشی می شوند که تابع تغییرات ازسوی خود دولت مرکزی نیستند.

In other words, the power of local government in a federal system is not at the mercy of the legislative body of the central government
به عبارت دیگر، اختیارات محلی در یک نظام فدرال بسته به نهاد قانون گذاری و دولت مرکزی نمی باشد.

This does not mean that local governments in unitary states are without



.power or influence

این بدان معنا ومفهوم نیست که دولتهای محلی در دولتهای دارای نظام حکومتی متمرکز بدون قدرت ونفوذی هستند.

.Nor does it matter what the local governments are called

هم چنین اهمیتی ندارد که دولتهای محلی چه نامیده می شوند.

نظامهای آنها در کل فدرال نامیده میشوند.

The

principal local governments of the United States and Australia are called states, and

.the systems as a whole are federal in character

دولتهای محلی اصلی ایالات متحده آمریکا و استرالیا ایالت ها نامیده می شوند و نظام های آنها در کل فدرال نامیده میشوند..



The principal local governments of

India and West Germany (now Germany) are also called states, but the systems are

.at best quasi-federal in character

دولت های محلی اصلی هندوستان و آلمان نیز ایالت ها نامیده میشوند اما نظام های حکومتی آنها در بهترین حالت در ماهیت شبه فدرال می باشند.

Italy, France, and Japan have unitary systems, but



no constitutional significance attaches to the fact that the principal local governments in Italy are called provinces, in France *departments*, and in Japan prefectures.

ایتالیا، فرانسه و ژاپن دارای نظام های حکومتی متمرکز هستند ولی هیچ اهمیتی از نظر قانون اساسی برای این حقیقت در نظر گرفته نشده است که دولت های محلی اصلی در ایتالیا استان ها نامیده می شوند در فرانسه بخش ها و در ژاپن نواحی نامیده می شوند.

A comparison of the British and American systems of governments will facilitate an explanation of the basic difference between unitary and federal systems.

مقایسه نظام های حکومتی آمریکا و بریتانیا را توضیحی در خصوص تفاوت اساسی میان نظام های حکومتی متمرکز و فدرال را تسهیل می دهد .

Since the British system is unitary, the powers of local government are



defined by statutes enacted by Parliament, the legislative organ of the central
.government

از آنجایی که، نظام حکومتی بریتانیا متمرکز است، اختیارات دولت های محلی بر اساس قوانین موضوعه ای تعیین می شوند که از سوی پارلمان بعضی عفاذ قانون گذاری دولت مرکزی وضع می شوند .

.This does not mean that local government is unimportant in Britain

این بدان معنا نیست که در دولتهای محلی در بریتانیا از اهمیت برخوردار نیست.

On the contrary, the English counties and boroughs are significant units of government
.endowed with very real powers

بر عکس نواحی و بخش های اسکان واحدهای دولتی مهمی هستند که به آنها اختیارات بسیار واقعی اعطا می شود



It should be added that the unitary

character of the British system does not warrant the inference that the people of the

country do not have a high regard for their local institutions

این نکته بایستی اضافه شود که ویژگی متمرکز بودن نظام حکومتی بریتانیا ای نتیجه را به همراه ندارد که مردم این کشور احترام زیادی را برای نهاد های محلی شان در نظر نمی گیرند .



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

It means only that as a
matter of constitutional law the powers of local government are defined by acts of
Parliament and that Parliament is free to expand or reduce or rearrange these
powers.



ای بدان معنا و مفهوم است که موضوع قانون اساسی اختیارات دولت های محلی بر اساس قوانین پارلمان تعیین می شوند و هم چنین فقط بدین معناست که پارلمان آزاد است که این اختیارات را گسترش دهد و یا کاهش دهد و یا دوباره ترتیب دهد .

The system of the United States is federal because, as a matter of constitutional law, the powers of the state cannot be altered by the national government acting alone.

نظام حکومتی ایالات متحده آمریکا فدرال می باشد بدان دلیل که به عنوان موضوعی از حقوق اساسی اختیار ایالت ها نمی توتند از سوی دولت ملی به تنهایی تغییر داده شود .

In the Constitution the powers of the national government are enumerated, whereas the powers of the states are not

در قانون اساسی آمریکا اختیارات دولت ملی بر شمرده می شود در حالیکه اختیارات ایالت ها بر شمرده نمی شود .



The states have what is

.left over, the so-called residual powers

ایالت ها از آن اختیاراتی که باقی می ماند برخوردار هستند، آن اختیاراتی که به اختیارات باقیمانده مشهور می باشد

.

But there is no special significance in this

.pattern of power distribution

اما اهمیت خاصی در توضیح چنین اختیاراتی وجود ندارد .



In the Canadian system, which is also federal, the powers of the provinces are enumerated and the national government possesses the residual powers.

در نظام حکومتی کانادا که همچنین فدرال می باشد ، اختیارات استان ها بر شمرده می شوند و دولت ملی از اختیارات باقیمانده دارا می باشد .

Either way, the system is federal so long local as local powers do not derive from the central government

به هر یک از این دو صورت ، نظام حکومتی فدرال است مادامی که اختیارات محلی از دولت مرکزی ناشی نمی شود .

These distinctions are to some degree formal, as can be seen from a closer examination of actual experience in the life of the United States Constitution

این تمایز ها تا حدی تشریفاتی هستند بدان گونه که از بررسی نزدیک تر تجربه واقعی در حیات ایالت متحده آمریکا



می تواند مشاهده شود .

Although it is quite true that the distribution of powers spelled out in that Constitution and confirmed by the explicit command of the Tenth Amendment cannot be altered formally by the central government acting alone, it is equally significant that the central government is the final judge of the scope of its delegated powers.

اگر چه این نکته کاملاً صحیح است که توضیح اختیارات آن دو گونه که در قانون اساسی آمریکا شرح داده شده و بر اساس فرمان صریح اصلاحیه دهم تأیید شده است نمی توتند به طور رسمی از دولت مرکزی به تنهایی تغییر داده شوند ای نکته نیز به همان نسبت از اهمیت بر خوردار است که دولت مرکزی قاضی نهایی در خصوص حدود اختیارات واگذار شده به آن دولت می باشد .

If Congress enacts a statute, and the president signs it, and the Supreme Court finds, in the course of appropriate litigation, that it is constitutional, there is nothing, as a matter of law, that the states can do about it.



اگر کنگره آمریکا قانون موضوعه را وضع نماید رئیس جمهور آمریکا آن را امضا کند . دیوان عالی آمریکا در جریان رسیدگی به یک دعوی قضایی این گونه در یابد که قانون موضوعه بر طبق قانون اساسی می باشد هیچ راهی وجود ندارد بر اساس قانون که ایالت ها بتواند در خصوص آن قانون انجام دهند .

Article VI of the

federal Constitution specifically declares that all statutes enacted by Congress shall constitute the supreme law of the land, anything in the laws of the states to the contrary notwithstanding.

ماده 6 قانون اساسی فدرال آمریکا به طور خاص اعلام می کند تمامی قوانین موضوعه که از سوی کنگره آمریکا وضع می شوند قوانین عامی این کشور را تشکیل می دهد و هر آن چیزی که در قوانین ایالت ها بر خلاف آن باشد فاقد اعتبار می باشد.

To be sure, the Supreme Court has on occasion ruled a federal statute unconstitutional on the ground that it invaded the reserved powers of the states, but this has not appended very often.



برای اطمینان نیز دیوان عالی بسته به موقعیت این گونه حکم داده است که قانون موضوعه فدرال مطابق با قانون اساسی نمی باشد. بر این پایه که آن قانون به اختیارات حفظ شده برای آن دولت ها تجاوز نموده است اما چنین موردی به ندرت اتفاق افتاده است .

۲ Legal Text

Dr. Talaie

It must be remembered that the

Supreme Court, as umpire of the federal system, is a national institution in no way

subject to state control; in the long sweep of American legal history the court has

.on the whole taken a nationalist rather than a state point of view

این نکته بایستی به خاطر آورده شود که دیوان عالی به عنوان داور در نظام حقوقی فدرال آمریکا ، یک عفاذ ملی است که به هیچ صورت تابع نظارت و کنترل دولتی نمی باشد و در جریان طولانی تاریخ حقوقی آمریکا این دیوان در کل به نفع دولت ملی نظر خود را اتخاذ نموده است به جای آنکه به نفع دولت های ایالتی نظر خود را اتخاذ نماید.



Nor is this

.development unique to the United States

هم چنین ، چنین فرایندی منحصر به ایالات متحده آمریکا نمی باشد.

In all federal systems in modern times

there has been a drift in the direction of stronger and more pervasive central

.government, often at the expense of the powers of local government

در تمامی نظام های حکومتی فدرال در زمان های نوین یک حرکت تدریجی به سمت دستیابی به یک دولی مرکزی قوی تر وجود داشته است آن هم اغلب به بها کاهش یافتن دولت های محلی.



Federalism

نظام حکومتی فدرال

The best examples of federalism in the contemporary world are the governmental systems of the United States, Canada, Australia, and Switzerland.

بهترین نمونه های نظام های حکومتی فدرال در جهان معاصر، نظام های حکومتی ایالات متحده آمریکا، کانادا، استرالیا و سوئیس می باشند.

The Swiss

system illustrates many important facets of the federal idea.

نظام حکومتی سوئیس بسیاری از جنبه های مهم نظام حکومتی فدرال را نشان می دهد.



cantons) was the only feasible way of creating national ۲۶ ۲۲cantons (now A federation of the
.unitywithout eliminating traditional local autonomy

تشکیل فدراسیونسی از 22 کانتون در حال حاضر 26، تنها راه عملی برای ایجاد وحدت ملی بدون حذف خودمختاری
محلی سنتی بوده است.

The federal system also facilitated
the unification of the country by permitting regional adjustment to religious and
.linguistic differences

هم چنین، نظام حکومتی فدرال هماهنگ سازی را در کشور سوئیس از طریق امکان پذیر ساختن تطبیق منطقه ای در
خصوص تفاوت های مذهبی و زبانی تسهیل نموده است.

In all countries where federalism has been adopted, the main
thrust has been to seek an equilibrium between unity and diversity, to achieve
,centralized authority for the nation as a whole without sacrificing local loyalties



.cultures, and institutions

در تمامی کشورهایی که نظام حکومتی فدرال در آن کشورها پذیرفته شده است هدف اصلی دستیابی به یک تعادل و توازن میان اتحاد و تنوع بوده است و هم چنین هدف دستیابی به یک اقتدار متمرکز بوده برای ملتی که در کل سوئیس را تشکیل داده است بدون آنکه رسوم و سنت ها و فرهنگها و نهادهای محلی را قربانی سازند.

constitution of Switzerland, as extensively The ۱۸۴۸

delegates certain powers to the national government, the cantons , ۱۸۷۴ revised in

.relining all residual powers

قانون اساسی ۱۸۴۸ سوئیس بدان گونه که در سال ۱۸۷۴ به طور گسترده ای اصلاح شده اختیارات معینی را به دولت ملی اعطا می نماید و کانتون ها از تمامی اختیارات باقی مانده برخوردار می باشند.



The powers delegated to the central government are greater than those delegated to the national government by the United States Constitution, particularly with respect to governmental monopolies, the definition



,of criminal and commercial law, conservation, and social welfare, Furthermore
there is no supreme court in Switzerland with the power to declare a statute of the
central court in Switzerland with the power to declare a statute of the central government
unconstitutional, and federal law always prevails over any contrary
.cantonal law

اختیارات واگذار شده به دولت مرکزی در سوئیس بسیار بیشتر است از آن اختیاراتی که به دولت ملی بر اساس
قانون اساسی ایالات متحده آمریکا اعطا شده است به ویژه در خصوص اختیارات انحصاری دولت، تعیین و تعریف
حقوق کیفری و حقوق تجاری امور اقتصادی و رفاه اجتماعی.

به علاوه دیوان عالی در سوئیس وجود ندارد که از این اختیار برخوردار باشد که یک قانون موضوعه دولت مرکزی را
بر خلاف ق.ا اعلام نماید و همچنین قوانین فدرال همواره به هم قانون کانتون ها برتر میباشد.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Even so, the cantons exercise important powers with regard to the
.administration of law and order, health and sanitation, public works, and education

با این وجود کانتون ها اختیارات مهمی را در خصوص اجرای قانون و نظم، سلامتی و بهداشتی، کارهای عمومی و آموزش به اجرا میگذارند

In addition, the federal laws are, for the most part, administered by the cantons; for
.example, the national criminal code is enforced in the cantonal courts

به علاوه، قواعد فدرال تا حد بسیار زیادی از سوی کانتون ها به اجرا گذاشته میشود برای مثال مجموعه قواعد ومقررات کیفری ملی و دادگاه های کانتون ها به اجرا گذاشته میشوند.



The federal

character of the Swiss Constitution is also reflected in the nature of the amending process, for all constitutional amendments must be approved by a majority vote in a national referendum, with a favourable decision in a majority of the cantons

ماهیت فدرال قانون اساسی سوئیس همچنین در ماهیت فرآیند اصلاح قانون اساسی منعکس می شود از آنجایی که تمامی اصلاحیه های وارد بر قانون اساسی سوئیس بایستی بر اساس رأی اکثریت در یک همه پرسی ملی تأیید شوند که همچنین بایستی به همراه مقیم مطلوب در اکثریت کانتون ها ی این کشور باشند.

voters or by ۵۰,۰۰۰ Amendments may be initiated by a popular petition signed by the national legislature, and it is to be noted that the cantons are represented equally in the upper house, the Council of States



اصلاحیه های وارد بر قانون اساسی سوئیس ممکن است بر اساس یا درخواست عمومی که از سوی 50000 نفر امضاء شده آغاز شوند و یا از سوی قوه مقننه ملی این کشور آغاز شوند و این نکته بایستی مورد توجه واقع شود که کانتون ها به طور یکسان درمجلس بالاتر معینی شورای کانتون ها نمایندگی می شوند.

Quasi-Federal Systems

نظام های حکومتی شبه فدرال

Several governmental systems that are usually called federal are, in fact, only
quasi-federal.

نظام های حکومتی بسیاری وجود دارند که به طور معمول فدرال نامیده می شوند اما در حقیقت آنها فقط شبه فدرال هستند.

That the Federal Republic of Germany (now Germany) is at best only
party federal is reflected in the magnitude of the powers vested in the central
government and in the fact that if there is any conflict between the laws of that



government and those of the states, or *Lander*, the laws of the national government must always prevail

اینکه جمهوری فدرال آلمان در بهترین حالت فقط تا حدی فدرال است در میدان زیاد اختیاراتی که به دولت مرکزی اعطا میشود انعکاس می یابد و همچنین در این حقیقت انعکاس می یابد که اگر تعارضی میان قوانین ان دولت و قوانین ایالت ها وجود داشته باشد قوانین دولت ملی همواره باید بدتر باشد.

The constitution gives the central government exclusive legislative powers in such areas as foreign affairs, the postal system, citizenship, railroads, and the currency, and concurrent power with the *Lander* over many significant areas such as the definition of civil and criminal law, control of the economy, labour, agriculture, public welfare, and shipping on the high seas

قانون اساسی آلمان، به دولت مرکزی این کشور قدرت قانون گذاری انحصاری را در زمینه هایی هم چون امور خارجی، نظام ، تابعیت ، امور مربوط به راه آهن ، امور مربوط به پول رایج کشور اعطا مینماید و هم چنین اختیارات مشترک با ایالت های این کشور در خصوص بسیاری از زمینه های مهمی مانند تعریف حقوق مدنی و حقوق کیفری نظارت و کنترل بر اقتصاد امور مربوط به کار و کارگر ، امور مربوط به کشاورزی ، رفاه عمومی ، کشتی رانی در دریای آزاد را به آن دولت اعطا می نماید.



The

ten *Lander* (now fifteen *Lander*) are given primary responsibility over education

and cultural affairs, and they administer most federal laws

10 لندر مسئولیت اولیه در خصوص آموزش و امور فرهنگی اعطا می شود و این ایالت ها بیشتر قوانین فدرال را به اجرا می گذارند.

The constitution may be

amended by a two-thirds vote in each house of parliament, and there is a special

federal constitutional court endowed with the power of judicial review

قانون اساسی آلمان می توانند بر اساس رأی دو سوم آرا در هر یک از دو اصلاح شود و هم چنین یک دیوان قانون اساسی فدرال ویژه ای وجود دارد که به آن اختیار تجدید نظر قضایی اعطا شده است.



This is a

.federal system that leans strongly upon the national government

این نظام حکومتی، یک نظام حکومتی فدرالی است که به طور زیادی به دولت ملی تکیه می نماید.

To a very considerable extent it is a system of centralized legislative power tempered by local

.administration

تا حد بسیار قابل توجهی این نظام حکومتی یک نظام حکومتی دارای اختیار قانون گذاری متمرکز است که چنین اختیار قانون گذاری توسط اجرای تعیین شده است .



۳

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

The pattern of government in India is often described as federal, for it is a union territories); the ۷ states and ۲۸ union territories (now ۸ states and ۲۱ union of .constitution provides, in elaborate detail, for a territorial division of powers

مدل و الگوی حکومتی در هندوستان اغلب به عنوان فدرال یادیا توصیف می شود از آن جایی که هندوستان اتحادیه ای یا مجموعه ای از 21 ایالت و 8 سرزمین متحد (در حال حاضر 21 ایالت و 7 اتحادیه سرزمینی) می باشد و قانون اساسی این کشور در جزئیات مفصل چگونگی تقسیم سرزمینی اختیارات را تصور می نماید .

The



subjects ۹۷ various subjects of legislation are grouped in three lists: a union list of including defense, foreign affairs, currency, banking, communications, and) customs), over which the union parliament has exclusive jurisdiction; a state list of ,subjects (including police and public order, agriculture, education, public health ۶۶ ;and local government), over which the state legislatures have exclusive authority ,subjects (including economic and social planning ۴۷ and a concurrent list of labour, and price controls), over which both the central and state governments may .legislate

موضوعات گوناگون قانون گذاری در 3 فهرست دسته بندی می شوند . فهرست مربوط به اتحادیه که شامل 97 موضوع می باشد از جمله امور دفاعی ، امور خارجی ، امور مربوط به پول رایج کشور ، امور بانکی ، امور مربوط به ارتباطات و امور مربوط به گمرکات که نسبت به آنها پارلمان اتحادیه دارای صلاحیت انحصاری است فهرست دوم : فهرست مربوط به ایالت ها که شامل 66 موضوع می باشد از جمله امور مربوط به پلیس و نظم عمومی، امور مربوط به کشاورزی ، امور مربوط به آموزش ، امور مربوط به سلامتی عمومی و امور مربوط به دولت های محلی که نسبت به آنها قوای مقننه ایالت ها دارای اقتدار انحصاری هستند و یک فهرست مشترک که شامل 47 موضوع می باشد از جمله، برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی ، امور مربوط به کار و کارگری و نظارت به قیمت ها که نسبت به آنها هم دولت مرکزی هم دولت های ایالتی می توانند قانون وضع نمایند.

But this division of powers is seriously qualified by the fact that the national parliament may legislate on any subject in an emergency or if it deems a



.subject to have national importance

اما چنین تقسیم اختیاراتی به طور جدی به واسطه این حقیقت تحت تأثیر واقع می شود که پارلمان ملی می تواند در خصوص هر موضوعی در یک وضعیت اضطراری قانون وضع نماید و یا اگر آن پارلمان اینگونه در نظر گیرد که یک موضوع دارای اهمیت ملی می باشد می تواند در خصوص آن موضوع نیز قانون وضع نماید.

The governor of each state is appointed by the
union president, and Parliament has the power to abolish the legislative council of
.any state and create a new one

استاندار هر ایالت از سوی رئیس اتحادیه منصوب می شود و پارلمان دارای این اختیار است که شورای قانون گذاری هر ایالتی را منحل می نماید و یک شورای قانون گذاری جدید را ایجاد کند.

In the light of these facts, the government of India
.cannot be characterized as a truly federal system



در پرتو این حقایق ، دولت هندوستان نمی تواند به درستی یک نظام حکومتی فدرال توصیف شود.

The same is true of the former

Soviet Union, whose constitution purports to provide for a union of various socialist republics but where power is so highly centralized as to warrant the conclusion that the system as a whole is only partly federal

چنین نکته ای، هم چنین در خصوص اتحادیه شوروی سابق صحیح است که قانون اساسی ای کشور به نظر می رسد که زمینه را برای تشکیل اتحادیه ی از جمهوری های سوسیالیستی گوناگون فراهم می نماید اما اختیار در این کشور انقدر تمرکز یافته است که این نتیجه را به همراه دارد که نظام حکومتی این کشور در کل فقط تا حدی فدرال است .

The governmental

,systems of Argentina, Austria, Brazil, Burma, Mexico, Libya, South Africa

Venezuela, and the former Yugoslavia are all described in their constitutions as federal in nature, but they are doubtfully so

نظام های حکومتی آرژانتین و ... همگی در قوانین اساسی شان به عنوان فدرال در ماهیت توصیف می شوند اما



آنها به طور تردید آمیزی اینگونه هستند .

In some of them there is a considerable amount of local administration of national laws, and in others the central governments have devolved significant powers upon the local governments, but these are quite compatible with unitary government

در برخی از این کشور ها میزان قابل توجهی از اجرای محلی قوانین ملی وجود دارد در کشور های دیگر دولت های مرکزی اختیارات مهمی را به دولت های محلی انتقال داده اند اما این موارد به طور کامل با نظام های حکومتی متمرکز سازگار است.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie



International Disputes

اختلافات بین المللی

Situations which might lead to international friction or give rise to a dispute are to be distinguished from disputes

اختلافاتی که ممکن است به بروز یک تنش بین المللی منجر گردند و یا ممکن است منجر به وقوع یک اختلاف گردند بایستی از خود اختلافات تمایز داده شوند.

To be a dispute, a situation must have crystallized into a 'disagreement on a point of law or fact, a conflict of legal views or interests between two persons

برای آنکه موقعیتی تبدیل به یک اختلاف شود آن موقعیت بایستی تبدیل به عدم توافق راجع به یک نکته حقوقی و یا نکته حقیقی شود و یا یک تعارضی در خصوص نظرات حقوقی و یا منافع میان دو شخص باشد.

This definition occurred in the *Mavrommatis Palestine* in which the Greek Government, (۱۹۲۴), *Concessions Case* (Jurisdiction, PCIJ), demanded compensation for the loss caused to Mr. Mavrommatis, a Greek national arising out of the fact that the Government of Palestine, of which the mandatory power was the United Kingdom, had rendered further exploitation of his



.concessions impossible

این تعریف در قضیه امتیازات ماروروماتیز در فلسطین قضیه مربوط به صلاحیت دیوان دائمی دادگستری بین المللی 1924 میلادی مطرح شد که در این قضیه دولت یونان در خصوص ضرر و زیانی که به آقای ماروروماتیز یک تبعه یونانی وارد شده بود درخواست جبران خسارت نموده بود ناشی از این حقیقت که دولت فلسطین که دولت سرپرست آن در آن زمان پادشاهی متحد بریتانیا و ایرلندشمالی بود امکان بهره برداری بیشتر ماروروماتیز را از امتیازاتش غیر ممکن ساخته بود.

The United Kingdom challenged the jurisdiction of the court on the ground that the conditions set out in Art ۲۶ of the mandate had not been observed

پادشاهی متحد صلاحیت دیوان را مورد اعتراض قرار داد بر این پایه که شرایط درج شده در ماده 26 سرپرستی رعایت نشده است.

The relevant part of Art ۲۶ reads as follows: 'the mandatory agrees that, if any dispute whatever should arise between the mandatory and another member of the League of Nations relating to ... the mandate, such dispute, if it cannot be settled by negotiation, shall be submitted to the PCIJ

قسمت مربوط به ماده 26 سند سرپرستی بدان صورت خوانده میشود که در ذیل می آید:



دولت سرپرست توافق می نماید که اگر هر اختلافی به هر صورتی میان آن دولت سرپرست و عضو دیگری از جامعه ملل در خصوص سند سرپرستی رخ دهد چنین اختلافی اگر نتواند از طریق مذاکره حل و فصل شود بایستی به دیوان دائمی دادگستری بین المللی ارجاع شود.

The United Kingdom argued that there was no dispute or that, if there was one, it was between the Government of Palestine and Mr. Mavrommatis

پادشاه متحد استدلالی کرده بود که اختلافی وجود نداشت و یا اگر هم اختلافی وجود داشت آن اختلاف میان دولت فلسطین و آقای ماروروماتیز بود.

The court

... said: "It is true that the dispute was at first between a private person and a state

.Subsequently, the Greek Government took up the case

دیوان دائمی دادگستری اظهار نمود که: این درست است که اختلاف در حله نخست میان یک شخص خصوصی و یک دولت بود بعدها دولت یونان آن قضیه را بر عهده گرفت.

The dispute then entered

upon a new phase: it entered the domain of international law, and became a dispute

.between two state

اختلاف آنگاه وارد یک مرحله جدید گردید آن اختلاف وارد حوزه و قلمرو حقوق بین الملل شد و تبدیل به یک اختلاف میان دو دولت گردید.



This case also serves therefore to illustrate the difference ”

between disputes which are within the domain of international law and those that
.are not

این قضیه بنابراین، همچنین میتواند مطرح شود تا تفاوت میان اختلافاتی را که در قلمرو حقوق بین الملل هستند و اختلافاتی را که در قلمرو حقوق بین الملل نیستند را نشان دهد.

of its Statute, the function of the ICJ is ‘to decide in ۳۸. According to Art
, ‘accordance with international law such disputes as are submitted to it

بر طبق ماده 38 اساسنامه ی دیوان بین الملل دادگستری وظیفه دیوان بین الملل دادگستری آن است که مطابق با حقوق بین الملل در خصوص آن اختلافاتی تصمیم گیری نماید که به آن دیوان ارجاع می شود.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

the court had occasion to examine , (۱۹۷۴ ,In the *Nuclear Test Cases* (ICJ

.this matter

در قضیه ی آزمایشات هسته ای دیوان بین الملل دادگستری به سال 1974 میلادی دیوان از این موقعیت برخوردار بود تا این موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

The court, as a court of law, is called upon to resolve existing disputes'



.between states

دیوان بین الملل دادگستری به عنوان یک دیوان حقوقی فرا خوانده می شود تا اختلافات موجود در میان دولت ها را حل و فصل نماید.

Thus the existence of a dispute is the primary condition for the court to exercise its judicial function. Whether an condition for the court to exercise its judicial function

پس وجود یک اختلاف شرط اولیه برای آن است تا دیوان بتواند وظیفه قضایی اش را به اجرا درآورد.

Whether an international dispute exists is a matter of objective determination' (quoting from the *Interpretation of Peace Treaties with Bulgaria, Hungary, and Romania Case* (ICJ, 1950).

اینکه آیا یک اختلاف بین المللی وجود دارد موضوعی از تعیین عینی می باشد(در عمل مشخص می شود که آیا اختلافی وجود دارد یا خیر)(نقل قول از قضیه تفسیر معاهدات صلح با بلغارستان، مجارستان و رومانی(دیوان بین الملل دادگستری 1950 میلادی)



Having decided in the instant case that the principal concern of Australia and New Zealand, the claimants, was to exclude completely further atmospheric testing by France in the South Pacific, and that 'firm explicit and binding undertaking to refrain from further atmospheric tests' had now been given, the court decided, by a majority, to strike out the claim *proprio motu*.

در رسیدگی فوری به این قضیه دیوان اینگونه تصمیم گیر بوده است که نگرانی اصلی استرالیا و زلاندنو یعنی دولت های شاکی این بوده است که فرانسه از انجام آزمایشات هسته ای بیشتر در اتمسفر (جو) در منطقه اقیانوس آرام جنوبی بطور کامل خودداری می نماید و دیوان همچنین اینگونه اظهار نظر نموده است که تعهدی صریح و محکم و الزام آور مبنی بر خودداری از انجام آزمایشات هسته ای در اتمسفر از سوی فرانسه اکنون ارائه شده است و بنابراین دیوان اینگونه تصمیم گیری نموده است بر اساس رأی اکثریت که این دعوی را از دستور کار خود خارج نماید بدان دلیل که هدف از طرف دعوی تعیین شده است چون هدف از طرف دعوی قبل از رسیدگی به دیوان تعیین شده دیگر نیازی به ادامه رسیدگی وجود ندارد و دعوی از دستور کار خارج می شود.

The dispute has disappeared because the object of the claim has 'been achieved by other means



اختلاف از بین رفته بدان دلیل که هدف از طرف دعوی از طریق راههای دیگری بدست آورده شده بود.

Political and Legal Disputes

اختلافات سیاسی و حقوقی

Reason, as applied to the settlement of disputes, may take a political or a legal

form.

استدلال در منطق آنگونه که در خصوص حل و فصل اختلافات بکار برده می شود ممکن است یا شکل سیاسی یا شکل حقوقی به خود بگیرد.



In the context of international disputes the pacific settlement of disputes
'through political means takes place through 'diplomacy

در چارچوب اختلافات بین المللی حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات از طریق راه های سیاسی در چارچوب
دیپلماسی انجام می گیرد.

Disputes are frequently
categorized as 'political' or 'legal', depending on whether they appear to be more
.amenable to political or to legal settlement

اختلافات اغلب ممکن است به عنوان اختلافات سیاسی یا اختلافات حقوقی دسته بندی شوند بسته به اینکه آیا این
اختلافات به نظر می رسد که حل و فصلشان مناسب تر باشد تا از شیوه های حل و فصل سیاسی استفاده شود یا
در شیوه های حل و فصل حقوقی



,However, since the same dispute may at various stages of evolution, pass from one mode of settlement to the other with no change of its basic character, it must not be thought that some disputes are by their very nature political, and others legal

به هر حال از آنجایی که یک اختلاف یکسانی ممکن است در مراحل گوناگون تحول و تکاملش از هیچ حالت حل و فصل اختلافات به حالت دیگری از حل و فصل اختلافات گذر نماید بدون آنکه تغییری در ماهیت اساسی اش رخ دهد اینگونه نبایستس در نظر گرفته شود که برخی از اختلافات بدلیل ماهیتشان سیاسی هستند و دیگر اختلافات بدلیل ماهیتشان حقوقی می باشند.

All that is needed to convert a political into a legal dispute is a change of heart, or of interests, by the parties to it

تمامی آنچه که مورد نیاز است تا یک اختلاف سیاسی به یک اختلاف حقوق تغییر گردد تغییر ذهنیت طرفین اختلاف و یا تغییر منافع طرفین اختلاف می باشد.



Conversely, a dispute which could easily be settled by legal means may remain unsettled and 'political', because one of the parties refuses to submit to arbitration or judicial settlement

بر عکس یک اختلافی که می تواند به سادگی از طریق راه های حقوقی حل و فصل شود ممکن است بصورت یک اختلاف حل و فصل نشده باقی بماند و بصورت اختلافی سیاسی در آید بدلیل آنکه یکی از طرفین آن اختلاف از ارجاع آن به داورى و یا حل و فصل قضایى خوددارى مى نماید.

From this it may be concluded that whether a dispute is to be categorized as legal or political depends on the attitude the parties take to it at the time

از چنین نکته ای می توانیم نتیجه بگیریم که آیا یک اختلاف بایستی به عنوان یک اختلاف حقوقی و یا یک اختلاف سیاسی طبقه بندی شود بستگی خواهد داشت به آن موضوعی که طرفین نسبت به آن اختلاف در زمان وقوع آن اتخاذ می نمایند.



On the other hand, since the principal concern of international law is the maintenance of peace, it contains procedures capable of settling any dispute at any time, whether classified as legal or political

از سوی دیگر از آنجایی که نگرانی اصلی حقوق بین الملل در حفظ صلح می باشد. حقوق بین الملل راه ها و روشهایی را در بر میگیرد که قادر هستند که هر اختلافی را در هر زمانی حل و فصل نمایند تا این اختلاف به عنوان یک اختلاف حقوقی طبقه بندی شود یا یک اختلاف سیاسی طبقه بندی گردد.

۲ Legal Text

Dr. Talaie



Pacific Settlement of Disputes

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات

:Once a dispute has arisen, there are only two methods by which it may be settled
force and reason

همین که اختلافی به وقوع می پیوندد فقط دو روش وجود دارند که بر اساس آن اختلاف می تواند حل و فصل شود: اجبار و منطق

The progress of a legal system may be measured by the extent
that reason is substituted for force in the settlement of disputes

پیشرفت یک نظام حقوقی می تواند بر اساس حدی که دلیل و منطق جایگزین زور در حل و فصل اختلافات می شود اندازه گیری شود.

The 'pacific' settlement of disputes has therefore been a constant and abiding
preoccupation of the system of international law and of those required to work



.within its limitations

حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بنابراین یک مشغله فکری و ذهنی مستمر و دائم است که نظام حقوق بین الملل و کسانی بوده است که ملزم بوده اند تا در چارچوب محدوده های حقوق بین الملل کار نمایند.

Pacific' in this context means settlement without resort to'

.force or threat of force

اصطلاح مسالمت آمیز در این چارچوب به معنای حل و فصل بدون توسل به زور یا تهدید به استفاده از زور می باشد.

The treaty entitled General Act for the Pacific Settlement of

was the first ۱۹۲۸ September ۲۶ International Disputes signed in Geneva on

.comprehensive attempt to settle disputes by peaceful means

معاهده به عنوان پیمان عمومی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی که در شهر ژنو در 26 سپتامبر



1928 امضا شد اولین کوشش جامع برای حل و فصل اختلافات از طریق شیوه های مسالمت آمیز بوده

This treaty, commonly

referred to as the General Act is still in force, although in the *Nuclear Tests Cases*

France argued that it had fallen into desuetude; but later in these (۱۹۷۳, ICJ)

.proceedings, France denounced this treaty

این معاهده که بطور معمول از آن به عنوان پیمان عمومی یاد می شود همچنان معتبر است اگر چه که در قضایای آزمایشات هسته ای دیوان بین الملل دادگستری به سال 1973 فرانسه اینگونه استدلال نمود که این معاهده بصورت یک معاهده متروک در آمده است اما بعدها در جریان رسیدگی به این قضایا فرانسه اعلام نمود که از این معاهده کناره گیری نموده است.

.Twenty-two states are still parties to it

22 دولت هنوز عضو این معاهده هستند.



that 'all disputes with regard to which the parties (۱۷) The General Act provides are in conflict as to their respective rights shall ...be submitted for decision to the Permanent Court of International Justice, unless the parties agree...to resort to an 'arbitral tribunal

پیمان عمومی (1928 میلادی) در ماده 17 مقرر می نماید که تمامی اختلافاتی که در خصوص آنها طرفین آن اختلافات در رابطه با حقوق مربوطشان در تعارض با یکدیگر هستند بایستی برای تصمیم گیری (حل و فصل) به دیوان دائمی دادگستری بین المللی ارجاع داده شوند مگر آنکه طرفین توافق نمایند تا به یک دیوان داورى توسل جویند.

۱۹۲۸ Before 'war' was outlawed by the Kellogg - Briand Pact of of the Charter of the United Nations required all members 'to (۲) and before Art refrain ... from the threat or use of force' in their international relations, states were, consistently with the requirements of international law, presented with a choice for the settlement of their international disputes-pacific settlement of their .international disputes- pacific settlement, or settlement through force

قبل از آنکه جنگ بر اساس پیمان کلوگ برآیند به سال 1928 میلادی غیر قانونی اعلام شود و قبل از آنکه بند 4 ماده 2 منشور سازمان ملل متحد همه دولت های عضو این سازمان را ملزم نماید تا از تهدید یا استفاده از زور در روابط بین المللی شان خودداری نمایند دولت ها به طور مستمر بر اساس الزامات حقوق بین الملل با یک انتخاب



برای حل و فصل اختلافات بین المللی شان مواجه بودند. حل و فصل مسالمت آمیز یا حل و فصل با استفاده از زور.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Today Art ۲(۳) of the Charter of the United Nations lays down a new rule:

All members shall settle their *international disputes* by peaceful means in such a



'manner that international peace and security, and justice are not endangered

امروزه بند 3 ماده 2 منشور سازمان ملل متحد یک قاعده جدیدی را مقرر می نماید بدین معنا که تمامی دولت های عضو این سازمان بایستی اختلافات بین المللی شان را از طریق شیوه های مسالمت آمیز حل و فصل نمایند به روشی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به خطر نیفتند.

of the Charter ٦ This obligation is spelled out in some detail in Chapter

.entitled 'Pacific Settlement of Disputes

چنین تعهدی با جزئیات بیشتری در فصل 6م از منشور سازمان ملل متحد با عنوان حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات تشریح می شود.

relating to the (٤)٢ .In the same way Art '

Action with respect to' ٧ prohibition of the use of force, is spelled out in Chapter

.'threats to the peace, breaches of the peace and acts of aggression

به همین صورت بند 4 ماده 2 منشور سازمان ملل متحد مربوط به منع استفاده از زور در فصل 7در این منشور با عنوان اقدامات مربوط به تهدیدهای نسبت به صلح نفع ها و نقص های صلح و اعمال تجاوز کارانه تشریح می شود.

The parallelism

illustrate the point (٤)٢ .and Art (٣)٢ .in the Charter between the treatment of Art

.made in the first paragraph as to reason and force



ارتباط موازی میان دیدگاه های درج شده در بندهای 3 و 4 ماده 2 منشور نکته تصریح شده در پراگراف اول این متن یعنی بکارگیری استدلال و زور را مورد تأکید قرار میدهد.

Article ۳۳ of the Charter states that the parties to any dispute, the continuance of which is likely to endanger the maintenance of international peace and security, shall, *first of all*, seek a solution by peaceful means

ماده 32 منشور ملل متحد بیان می نماید که طرفین هر اختلافی که تداوم آن به احتمال زیاد صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد در وحله نخست بدنبال راه حلی از طریق شیوه های مسالمت آمیز خواهند بود.

The Security

Council shall, when it deems necessary, call upon the parties to settle their dispute provides that should the parties to such a dispute fail to settle it by the means indicated in Article ۳۳, they shall refer it to the Security Council, ۳۷.

شورای امنیت سازمان ملل متحد هر زمانی که ضروری بداند از طرفین خواهد خواست تا اختلافشان را از طریق چنین روشی حل و فصل نمایند.

ماده 37 منشور اینگونه مقرر می نماید که اگر طرفین چنین اختلافی در حل و فصل آن از طریق شیوه ها و



روش های نشان داده شده در ماده 33 منشور موفق نشوند آنها بایستی اختلافشان را به شورای امنیت ارجاع دهند.

If the Security Council deems that the continuance of the dispute is in fact likely to endanger the maintenance of international peace and security, it shall decide or to recommend such terms of settlement as it ۳۶.whether to take action under Art .deems appropriate

اگر شورای امنیت سازمان ملل متحد اینگونه در نظر گیرد که تداوم یک اختلاف در حقیقت به احتمال زیاد به گونه ای است که حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد آن شورا تصمیم گیری خواهد نمود که آیا به موجب ماده 36 منشور اقداماتی را اتخاذ نماید و یا روشهای حل و فصل اختلاف را آنگونه که مقتضی می داند به طرفین اختلاف توصیه نماید

states that the Security Council may, at any stage of ۳۶ Article)
recommend appropriate procedures or ,۳۳ .a dispute of the nature referred to in Art
(.methods of settlement

ماده 36 منشور اینگونه بیان می نماید که شورای امنیت سازمان ملل متحد در هر مرحله ای از اختلاف که دارای ماهیت اشاره شده در ماده 32 منشور می باشد می تواند آیین ها یا روش های حل و فصل مناسب یا مقتضی اختلاف را توصیه نماید.



This new rule applies not only to the members of the United Nations, but to
all parties to a dispute 'the continuance of which is likely to endanger international
'peace and security

این قاعده جدید نه تنها در خصوص اعضای سازمان ملل متحد بکار می رود بلکه همچنین در خصوص تمامی طرفین
یک اختلاف بکار میرود اختلافی که تداوم آن به احتمال زیاد صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد.



requires The organization (٦)٢.It should be recalled that Art
to] ensure that the states which are not members of the United Nations act in accordance]
-with these principles [the 'principles' set out in the five previous sub
so far as may be necessary for the maintenance of [٢ paragraphs of Art
'international peace and security

این نکته بایستی یاد آوری شود که بند 6 ماده 2 منشور، سازمان ملل متحد را ملزم می نماید تا اطمینان حاصل نماید
که دولت هایی که عضو سازمان ملل متحد نیستند مطابق با این اصول (اصول درج شده در 5 بند ماده 2 منشور) عمل
می نمایند تا جایی که برای حفظ صلح و امنیت بین المللی ضروری می باشد.

That is why, in addition to the obligations laid on
that the Security Council ٣٤ .the parties to the dispute, it is also provided by Art
may investigate any dispute ... in order to determine whether its continuance is'
'likely to endanger the maintenance of such peace and security

به این علت که علاوه بر تعهداتی که بر عهده طرفین اختلاف گذارده می شود همچنین بر اساس ماده 34 منشور



اینگونه مقرر می شود که شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند در خصوص هر اختلافی رسیدگی را به عمل آورد به این منظور که تعیین می نماید که آیا تداوم چنین اختلافی به احتمال زیاد حفظ چنین صلح و امنیتی را به خطر می اندازد یا خیر.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

While a member of the United Nations 'may bring any dispute ... to the attention of the Security Council' (Art 35(1)), 'a state which is not a member ... may bring to the attention of the Security Council any dispute to which it is a party if it accepts in advance, for the purposes of the ... 'dispute, the obligations of pacific settlement provided in the present Charter



. (Art. 35 (2)).

در حالی که یک عضو سازمان ملل متحد می تواند توجه شورای امنیت این سازمان را نسبت به هر اختلافی جلب نماید (بند 1 ماده 35 منشور ملل) خواه آن دولت طرف آن اختلاف باشد یا خیر دولتی که عضو سازمان ملل متحد نیست می تواند توجه شورای امنیت را به هر اختلافی که آن دولت یک طرف آن اختلاف می باشد جلب نماید اگر که آن دولت از پیش برای اهداف آن اختلاف تعهدات مبنی بر حل و فصل مسالمت آمیز آن اختلاف را آنگونه که در منشور حاضر مقرر شده است مورد پذیرش قرار دهد (بند 2 ماده 35)

There are thus two categories of disputes; those the continuance of which is likely to endanger international peace and security, and those whose continuance is not. It is open to either of the parties, or to the Security Council, to consider a dispute to be of the first category.

(به این ترتیب دو دسته از اختلافات وجود دارند آن اختلافاتی که تداوم آنها به احتمال زیاد صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد و اختلافاتی که تداوم آن صلح و امنیت بین المللی را به خطر نمی اندازد) این بر عهده یا طرفین اختلاف و یا شورای امنیت سازمان ملل متحد است تا یک اختلاف را از جمله اختلافاتی در نظر گیرد که در مقوله اول قرار میگیرد که این اختلافات اختلافاتی است که به احتمال زیاد صلح و امنیت بین الملل را به خطر می اندازد.



Seas and Waterways

دریاها و آبراه ها

Introduction: Seas And Waterways

مقدمه: دریا ها و آبراه ها

.This chapter deals with the international regime of the water

این فصل به نظام بین المللی حکم بر آبها می پردازد.

The distinction

between 'seas' and 'waterways' is not clear-cut: 'internal waters' include elements



of both, while if international 'straits' are part of the seas' their legal regime is
closer to that of a waterway.

تمایز میان دریاها و آبراه‌ها واضح و روشن نسبت آبهای داخلی عناصری از هر دو را در بر میگیرند (دارند) در حالی که اگر تنگه‌های بین المللی قسمتی از دریاها باشند نظام حقوقی آنها نزدیکتر است به نظام یک آبراه یا آبراه‌ها میباشد.

The 'seas' may be broadly divided into the 'high seas', the 'exclusive
'economic zone' and the 'territorial sea

دریاها به طور کلی ممکن است به دریاهای آزاد، مناطق انحصاری اقتصادی و دریاهای سرزمینی تقسیم بندی شوند.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Bays and gulfs', which are treated as' .

-being identical, will be part of the high seas, the territorial seas, enclosed or semi enclosed seas or internal waters, depending on their size and shape; while 'inland



seas' are, in spite of their name, not treated as sea but as part of a state's internal waters.

خلیج های کوچک و خلیج ها که با آنها به صورت یکسان رفتار میشود قسمتی از دریا های آزاد، دریا های سرزمینی دریا های بسته و یا دریه های نیمه بسته و یا آب های داخلی خواهند بود بسته به اندازه و شکل آنها. در حالی که دریا های داخلی با وجود نامشان به آنها به عنوان دریا رفتار نمی شود بلکه قسمتی از آب های داخلی دولت هستند» دولت ساحلی»

.Waterways are either natural or artificial

آبراه ها یا طبیعی یا مصنوعی هستند

The law on waterways is not

.codified. The status of each canal and river having been separately regulated

حقوق (نظام حقوقی) حاکم بر آبراه ها تنظیم نشده اند و وضعیت هریک از کانال ها و رودخانه ها بطور مستقلی تحت تنظیم در آمده است.



Nevertheless, the very characterization of a waterways as international implies a right of unimpeded passage for the ships of all nations, this rule being a rule of custom.

با این وجود ویژگی یک آبراه به عنوان یک آبراه بین المللی بدین معناست که یک حق عبور منع نشده ای برای کشتی های تمامی ملت ها در این آبراه وجود دارد و این قاعده عرفی می باشد.

Only such rivers and canals as are international in character are of direct concern to international law

فقط چنین رودخانه ها و کانال ها (آبراه هایی) که در ماهیت بین المللی هسند ارتباط مستقیم با حقوق بین الملل دارند.



Internal Waters

آبهای داخلی

-The internal waters of a state comprise: all parts of the sea landwards of the base
-lines from which the territorial sea is measured; ports and anchorages; river
mouths; the watercourses of national rivers; bays and gulfs or parts of them; inland
seas; lakes and land - locked seas or parts of them

آبهای داخلی یک دولت آبهای زیر را در بر می گیرند: تمامی قسمت های دریا به سوی خشکی «در سوی خشکی» خطوط مبدأ که آن خطوط دریای سرزمینی اندازه گیری می شود. آبهای موجود در بنادر و لنگرگاه ها، آبهای موجود در دهانه رودخانه ها، آبهای موجود در دهانه رودخانه های ملی (جریان های رودخانه ملی)، آبهای موجود در خلیج های کوچک و یا خلیج ها و یا قسمت هایی از آنها، آبهای موجود در دریاها، آبهای موجود در دریاچه ها و دریاچه های بسته و یا قسمت هایی از آنها

.The state possesses full rights of sovereignty over its internal waters

دولت (دولت ساحلی) دارای حقوق کامل حاکمیت نسبت به آبهای داخلی اش می باشد

Some



,writers have defined internal waters as being 'waters, including parts of the sea
'which are under the full sovereignty of the state

برخی از نویسندگان آبهای داخلی را به عنوان آبهای تعریف نموده اند که از جمله قسمت هایی از دریاها را در بر می
گیرد و تحت حاکمیت کامل دولت ساحلی می باشند.

.There is accordingly no right of entry or passage for foreign ships
بدین ترتیب حق ورود و یا حق عبور برای کشتی های خارجی وجود ندارد.

Only in the case of areas which had formerly
been territorial sea or parts of the high seas but which are now enclosed as internal
waters as the result of being landward of a straight baseline is the right of 'innocent
.passage' preserved

فقط در خصوص نواحی که از پیش دریای سرزمینی و یا قسمت هایی از دریاهای آزاد بوده اند اما در نتیجه یانکه در
سوی خشکی یک خط مبدأ مستقیم قرار گرفته اند و به عنوان آبهای داخلی بسته شده اند حق عبور بدون ضرر



همچنان محفوظ باقی مانده است.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

,The territorial state has a monopoly in the carrying of goods and passengers

.and enjoys the exclusive right to exploit the natural resources of the sea

دولت سرزمینی از حق انحصاری در حمل و نقل کالاها و مسافران برخوردار است و همچنین از حق انحصاری برای بهره برداری از منابع طبیعی این آبها برخوردار می باشد.

Merchant

ships are subject to the regulations of the territorial state but, by courtesy, the



.consul of the flag state is normally contacted before any regulation is enforced

کشتی های تجاری تابع مقررات دولت سرزمینی هستند اما بر اساس نزاکت قبل از آنکه هر مقرره ای به اجرا گذاشته شود باکنسول دولت صاحب پرچم کشتی به طور معمول تماس گرفته می شود.

.Warships are immune from such jurisdiction

کشتی های

جنگی از چنین صلاحیتی مصون هستند

The Law of the Sea

حقوق دریاها

No other area of international law is today subject to such extensive change as the

.law of the sea

امروزه هیچ گرایش دیگری از حقوق بین الملل وجود ندارد که همچون حقوق دریاها تابع چنین تغییر گسترده ای بوده باشد.

The Third UN Conference on the Law of the Sea met annually from

.states represented ۱۵۰ with ,۱۹۸۲ to ۱۹۷۳

سومین کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها به طور سالیانه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ تشکیل گردید

مطالب حقوقی بیشتر در: [/https://irlawyers.ir](https://irlawyers.ir) --- الکترونیک، کامپیوتر، بورس و غیره در: [/https://229-415.ir](https://229-415.ir)



و نمایندگان 150 دولت در این اجلاس ها شرکت نمودند.

Its work culminated in the adoption on

.of the United Nations Convention on the Law of the Sea ۱۹۸۲ April ۳۰

کار این اجلاس ها با پذیرش کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها در 30 اپریل 1928 خاتمه پیدا نمود.

It can be

said that the work of codification and the progressive development that has been

.achieved constitutes a most substantial contribution to international law

این نکته می تواند اظهار شود که کار تدوین و توسعه تدریجی که بدست آورده شده است (در خصوص دریاها) اساسی ترین نقش را در چارچوب حقوق بین الملل تشکیل می دهد.



,However

a caveat must be entered, for the adoption of the Convention was preceded by a

.voted against ۴ abstained and ۱۷ ,states voted in favour ۱۳۰ vote in which

به هر حال یک تذکر بایستی مطرح شود از آنجایی که پذیرش این کنوانسیون همراه بود با رأی 130 دولتی که به نفع آن رأی دادند 17 دولتی که به آن رأی‌ممتنع دادند و 4 دولتی که رأی مخالف به آن دادند.

This

augurs ill for the future of the Convention, when it is realized that the USA , with

Venezuela, Turkey and Israel voted against; and the UK, West Germany (now



Germany), Italy, Spain, the Benelux countries, as well as the USSR, Poland, East

Germany (now Germany), Hungary, Czechoslovakia, Bulgaria, Byelorussia, the

.Ukraine, Mongolia and Thailand abstained

این نشانه خوبی برای آینده کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاهای این نکته مورد توجه قرار گیرد که کشورهای ایالت متحد آمریکا همراه با ونزوئلا، ترکیه و اسرائیل به آن رأی مخالف دادند و کشورهای پادشاهی متحد آلمان غربی در حال حاضر آلمان، ایتالیا، اسپانیا، کشورهای بناروس (بلژیک) هلند (لوگزانبورگ) و همچنین اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی، لهستان، آلمان شرقی (قسمتی از آلمان)، مجارستان، چک اسلوواکی، بلغارستان، بلاروس، اکراین، مغولستان و تایلند به آن رأی ممتنع دادند.

For these include the most powerful

maritime nations, with the exception of Japan, which has since announced its

[.۱۹۹۶ June ۲۰ intention not to ratify the treaty. *[Japan ratified the Convention on*

این بدان جهت است که این کشورها قدرتمندترین ملل دریایی را در بر میگیرند با استثناء ژاپن که از آن زمان قصد خود را مبنی بر آنکه آن معاهده را تصویب ننماید اعلام نموده است (ژاپن کنوانسیون سازمان ملل متحد) در خصوص دریاهای را در 20 ژئن 1996 تصویب نمود.



Before the adoption of this convention, the law of the sea had been set out in and known as the 'Geneva ۱۹۵۸ four separate conventions, drawn up in Geneva in 'Conventions on the Law of the Sea'.

قبل از پذیرش این کنوانسیون، حقوق دریاها و چارچوب ها کنوانسیون مستقل مقرر شده بود که مقررات ای کنوانسیون ها در سال 1958 در شهر ژنو (سوئیس) وضع شده بودند و این کنوانسیون ها به کنوانسیون های ژنو راجع به حقوق دریاها شناخته شده اند.

Of these, one dealt with the high seas, one with the territorial sea and contiguous zone, one with the continental shelf and one with fishing and the conservation of living resources



از میان اینها کنوانسیون ها یک کنوانسیون به موضوع دریاهای آزاد می پردازد.

یک کنوانسیون به موضوع دریاهای سرزمینی و منطقه مجاور می پردازد. یک کنوانسیون به فلات قاره می پردازد و یک کنوانسیون هم به ماهی گیری و حفاظت از منابع زنده می پردازد.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

These attempts to regulate the law of the sea, the sea-bed and subsoil, were only partially successful, as witness the *North Sea Continental Shelf Case* (ICJ in which one of the arguments put forward by Denmark and the Netherlands (۱۹۶۹ of the Continental Shelf Convention (the ۶ .was that the rule set out in Art equidistance method for delimitation of the shelf) was binding upon the Federal



Republic of Germany, not a party to that Convention, because the provisions
merely stated an existing rule of customary international law

اینگونه تلاش و کوشش ها برای تنظیم و تدوین حقوق دریاها و حقوق حاکم بر بستر و زیر بستر دریاها فقط تا حدودی موفقیت امیز بوده است بدان صورت که در قضیه فلات قاره در دریای شمال مطرح شده در دیوان بین المللی دادگستری در سال 1969 مشاهده میشود که در این قضیه یکی از استدلال هایی که از سوی دانمارک و هلند مطرح شد این بود که قاعده درج شده در ماده 6 کنوانسیون فلات قاره (خط یا روش با فاصله مساوی برای تعیین حدود فلات قاره) برای جمهوری فدرال آلمان که عضو آن کنوانسیون نبود الزام آور بود به دلیل آنکه مقررات این کنوانسیون صرفاً یک قاعده موجود حقوق بین الملل عرفی را بیان می نموده است.

The court found that

this was not so and that the Federal Republic was not so bound

دیوان بین الملل دادگستری اینگونه دریافت که این استدلال درست نبود و بنابراین دولت فدرال آلمان ملزم نبود که ان خط با فاصله مساوی را رعایت کند.



The Convention contains ۳۲۰ Article and ۹ Annexes.

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها 320 ماده و ضمیمه را در بر میگیرد.

It is divided into

The ۲. :seventeen Parts as follows
Territorial Sea and
Straits Used for International ۳. ;Contiguous Zone
Archipelagic ۴. ;Navigation
Regime ۸. ;High Seas ۷. ;Continental Shelf ۶. ;Exclusive Economic Zone ۵. ;States
-Right of Access of Land ۱۰. ;Enclosed and Semi - enclosed Seas ۹. ;of Islands
۱۲. ;(The Area (sic ۱۱. ;locked States to and from the Sea and Freedom of Transit
Marine Scientific ۱۳. ;Protection and Preservation of the Marine Environment
Settlement of ۱۵. ;Development and Transfer of Marine Technology ۱۴. ;Research
Final Provisions ۱۷. ;General Provisions ۱۶. ;Disputes

این کنوانسیون به 17 قسمت تقسیم شده است بدان گونه که در زیر می آید:

- 1-تعریف اصطلاحات 2-دریای سرزمینس و منطقه مجاور 3-تنگه های مورد استفاده ی کشتیرانی بین المللی
- 4-دولت های مجمع الجزایری 5- منطقه انحصاری اقتصادی 6-فلات قاره 7-دریاهای آزاد 8- نظام جزایر 9-



دریاهای بسته و نیم بسته 10- حقوق دسترسی دولت های محصور در خشکی به دریا و از دریا به آزادی ترانزیت یا آزادی عبور 11- ناحیه اشاره به بستر و زیر بستر دریای آزاد (میراث مشترک بشریت) 12- حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی 13- پژوهش های علمی دریایی 14- توسعه و انتقال تکنولوژی دریایی 15- حل و فصل اختلافات 16- مقررات کلی 17- مقررات نهایی

contains some definitions of terms used including those of pollution of ۱ Part

.'the 'marine environment' and 'dumping

قسمت اول کنوانسیون: برخی تعاریف اصطلاحات مورد استفاده در کنوانسیون را از جمله اصطلاحات مربوط به آلودگی محیط زیست دریایی و دفع مواد زائد را در بر می گیرد .

concerning settlement of disputes will be dealt with under the ۱۰ Part



Chapter (Chapter corresponding ۱۲) of this work.

قسمت 15 از کنوانسیون که مربوط به حل و فصل اختلافات می باشد در فصل مربوطه (فصل 12) از این کتاب مورد بررسی واقع خواهد شد.

Part ۱۶ contains five articles of which two may be cited.

قسمت 16 از کنوانسیون 5 ماده را در بر می گیرد که دوتای آنها در این جا می تواند ذکر شود.

Article ۳۰۰ is

entitled 'Good faith and abuse of rights', and recites: 'States parties shall fulfil in good faith the obligations assumed under this convention and shall exercise the rights, jurisdiction and freedoms recognized in this Convention and shall exercise the rights, jurisdiction and freedoms recognized in this Convention in a manner which would not constitute an abuse of right

ماده 300 کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها که تحت عنوان حسن نیت و سوء استفاده از حقوق (یا عدم سوء استفاده از حقوق) می باشد به طور مشخص چنین بیان می نماید که دولت های عضو این کنوانسیون با حسن نیت تعهدات فرض شده به موجب این کنوانسیون را به اجرا در خواهند آورد و حقوق، صلاحیت و آزادی های به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون را به گونه ای به اجرا در خواهند آورد که سوء استفاده از حق را تشکیل نخواهد داد.



is entitled 'Peaceful uses Article 301 of the seas' and recites: 'In exercising these rights and performing their duties under this Convention, states parties shall refrain from any threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any states or in any other manner inconsistent with the principles of international law embodied in the Charter of the United Nations'.

ماده 301 کنوانسیون راجع به حقوق دریاها با عنوان استفاده ای صلح آمیز از دریاها چنین بیان می نماید که در اجرای این حقوق و انجام وظایفشان به موجب این کنوانسیون دولت های عضو از هر گونه تحدید و یا استفاده از زور بر ضد تمامیت سرزمینی و یا استقلال سیاسی هر دولتی و یا به هر صورت دیگری ناسازگار با اصول حقوق بینل ملل مندرج شده در منشور سازمان ملل متحد خود داری خواهند نمود .

Part 17, *inter alia*, makes the Annexes an integral part of the text of the convention.

قسمت 17 کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها از جمله ضمایم را قسمتی جدایی نا پذیر از متن این کنوانسیون می سازد .



.December ۱۹۸۴ It provides that it is to remain open for signature until ۹

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها مقرر کرده که این کنوانسیون برای امضا تا تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۴ باز خواهد بود .

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

states, plus Namibia, represented by ۱۵۸ At this date it had been signed by

the United Nations Council for Namibia (for whose participation express provision

.(was made

تا این تاریخ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها از سوی ۱۵۸ دولت امضا شده بود به اضافه نامیبیا که از سوی شورای سازمان ملل متحد برای نامیبیا نمایندگی شده بود که در خصوص مشارکتش مقرر صریحی



پذیرفته شده بود .

The Convention is subject to ratification (by signatory states) and

۱۹۸۴ December ۹ accession by states which had not signed before

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها تابع تصویب از سوی دولت های امضا کننده می باشد و هم چنین تابع 7 الحاق از سوی دولت هایی می باشد که این کنوانسیون را قبل از 9 دسامبر 1984 میلادی امضا ننموده بودند .

It is to enter

into force twelve months after the date of deposit of the sixtieth instrument of

.ratification or accession

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها 12 ماه پس از تاریخ تقویم شصتمین سند تصویب و یا الحاق لازم به اجرا می گردد.

At the time [۱۹۹۴ November ۱۶ It entered into force on]

.states ۳۲ of going to press, it has been ratified by

کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها در تاریخ 16 نوامبر 1994 لازم به اجرا گردید در زمان به چاپ رسیدن کتاب این کنوانسیون از سوی 32 دولت تصویب شده بود.



States ۱۵۵, ۲۰۰۷ June ۴ As at]

[.have been parties to the Convention

تا تاریخ ژوئن ۲۰۰۷ ، ۱۵۵ دولت عضو کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها بوده اند.

No reservations are permitted, save those

.expressly authorized under various Articles of the Convention

هیچ حق شرطی به کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها اجازه داده نمی شود به جز آن حق شرط هایی که به طور صریح به موجب مواد گوناگون این کنوانسیون اجازه داده شده اند.

So far as concerns the other parts of the Convention, these fall into different

.categories

تا جایی که به قسمت های دیگر کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها مربوط می شود این قسمت ها در داخل مقولات متفاوتی قرار می گیرند

Exclusive Economic) ۵ , (Territorial Sea and Contiguous Zone) ۲ Parts

Regime of Islands) for the most) ۸ High Seas), and) ۷ , (Continental Shelf) ۶ , (Zone



part reflect rules of customary international law, with, however, a variety of detailed additions which improve the corpus of law

قسمت های دوم با عنوان دریای سرزمینی و منتقه مجاور - پنجم با عنوان منطقه انحصاری اقتصادی 6 با عنوان فلات قاره - 7 با عنوان دریاهاى آزاد و 8 با عنوان نظام جزایر که تا حد بسیار زیادى منعکس کننده قواعد حقوق بین الملل عرفی می باشند که به هر حال همراه با مجموعه ای از مقررات اضافی مفصلی می باشند که محتوای حقوقی دریاها را بهبود می بخشند.

The provisions of these parts may be expected, with the passage of time, to exert an increasing and eventually preponderant influence on state practice, and the corresponding sections of this 'chapter set out in summary from the main rules as ' rules of international law

چنین می توانم انتظار داشت که مقررات این قسمت ها با گذشت زمان یک تأثیر فزاینده و سر انجام بیشتری را بر روی رویه دولت ها خواهند داشت و قسمت های مربوط این فصل که به طور خلاصه درج شده اند قواعد اصلی را به عنوان قواعد حقوق بین الملل تشکیل می دهند .

With respect to Parts ۳ (Straits Used for International Navigation), ۴

(Archipelagic States), ۵ (Right of Access of Land-locked States to and from the Sea and Freedom of Transit), the

Access of Land-locked States to and from the Sea and Freedom of Transit), the



Convention innovates, it is true, but state practice is likely to be strongly influenced
in the future by the rules therein prescribed

در خصوص قسمت های سوم با عنوان تنگه های مورد استفاده برای کشتی رانی بین المللی 40 با عنوان دولت های مجمع الجزایری 90 با عنوان دریاها و نیمه بسته و 10 با عنوان حق دسترسی دولت های محصور در خشکی به دریا و از دریا به آزادی ترانزیت (عبور) کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها مقررات جدید را معرفی نماید که این صحیح است اما رویه دولت ها به احتمال زیاد به طور قوی در آینده تحت تأثیر این قواعدی که در این قسمت ها (کنوانسیون) مقرر شده اند قرار خواهند گرفت.

Legal

Text

۲

Dr. Talaie

that the innovations in the Convention were ۱۱ It is in relation to Part



adopted in the face of strong oppositions and no prediction can be made as to whether and to what extent these rules will be adopted into international law

این در ارتباط با قسمت کنوانسیون سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق دریاها می باشد که مقررات جدیدی در این کنوانسیون پذیرفته شده است با وجود مخالفت قوی که صورت گرفته است و هیچ پیش بینی را نمی توان ارائه نمود در خصوص اینکه آیا این قواعد در چارچوب حقوق بین الملل پذیرفته شده است و اگر اینگونه باشد تا چه حدی در چارچوب حقوق بین الملل پذیرفته شده اند.

The

,corresponding section of this chapter sets out the gist of these provisions, however

.in order to allow the reader to be informed of their content

قسمت مربوط به این فصل نکات کلی(مهم) را در رابطه با این مقررات به هر حال در برمیگیرد به منظور آنکه به خواننده اجازه دهد تا از محتوای مقررات آنها آگاه گردد.



The heart of the problem arose out of an attempt by the numerical majority of states to force a solution on the minority which would have had the effect of 'transferring to the 'Authority' the exclusive power to issue licenses in the 'Area for the mining exploration and exploitation of the bed of sea and the subsoil and to receive extensive 'royalties' from the profits engendered by such deep- sea mining

نکته اصلی مشکل از تلاش اکثریت عددی دولت ها ناشی می گردد که راه حلی را به اقلیت دولت ها تحمیل نمودند که بر اساس آن این تأثیر وجود دارد که اختیارات انحصاری به مقام بین المللی بستر دریاها انتقال داده شده است تا گواهی هایی را در خصوص بستر و زیر بستر دریاها (ناحیه) صادر نماید آن هم در جهت اکتشاف و بهره برداری از منابع معرفی موجود در بستر و زیر بستر دریا و همچنین دریافت مبالغ گسترده ای ناشی از منافع حاصل شده از بهره برداری از منابع معدنی موجود در اعماق دریاها

The notion that the bed of the sea and the subsoil under the high seas and its resources are 'the common heritage of mankind' is generous, but it was imposed by a majority of states having no sea-going fleets and no experience of or capacity to



.undertake the mining thereof upon an unwilling minority which had both

این مفهوم که

بستر و زیر بستر دریاها در چارچوب دریاها آزاد و همینطور منابع موجود در آنها میراث مشترک بشریت هستند یک مفهوم سخاوت مندانه ای است اما چنین مفهومی از سوی اکثریت از دولت هایی تحمیل شد که دارای ناوگان های دریایی نبوده اند و همچنین از تجربه یا توانایی برای بهره برداری از منابع معدنی موجود در بستر و زیر بستر دریای آزاد برخوردار نبوده اند تا هم تحمیل این مفهوم بر اقلیتی از دولتهای ایمن نسبت به این مفهوم بوده است که دارای هر دو موارد فوق بوده اند.

There is

.therefore a measure of unreality about this part of the Convention

بنابراین میزانی از عدم واقع گرایی در خصوص این قسمت از کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریا وجود دارد.

,Moreover

although the product of the royalties or levy was to be used for the 'benefit of

mankind', pride of place is to be accorded to the 'interest and needs of developing



.'countries

به علاوه اگرچه منافع حاصل از این پرداخت ها و یا عوارض بایستی برای نفع بشریت مورد استفاده واقع شوند اعتبار ویژه بایستی به منافع و نیازهای کشورهای در حال توسعه اعطا شود.

although setting out new law, will probably set ,۱۴ and ۱۳, ۱۲ Finally Parts

the pattern of future state practice with respect to pollution of the seas, marine

.environment protection and scientific research respectively

و بالاخره قسمت های ۱۲-۱۳ و ۱۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها، اگر چه حقوق جدیدی را وضع می نماید به احتمال زیاد الگویی را برای آینده رویه دولت ها در خصوص آلودگی دریاها حمایت از محیط زیست دریایی و پژوهش های علمی دریایی به ترتیب ارائه می نماید.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

Continental shelf

فلات قاره

The continental shelf of a coastal state comprises the sea-bed and subsoil of the submarine areas that extend beyond its territorial sea throughout the natural prolongation of its land territory to the outer edge of the continental margin, or to a distance for two hundred nautical miles from the baselines from which the territorial sea is measured where the outer edge of the continental margin does not extend up to that distance



فلات قاره یک دولت ساحلی بستر و زیر بستر دریا در خصوص نواحی زیر دریایی را در بر میگیرد که به ماوراء دریای سرزمینی آن دولت در طول امتداد طبیعی قلمرو خشکی اش تا لبه بیرونی حاشیه قاره گسترش می یابد و یا تا فاصله 200 مایل دریایی از خطوط مبدأ که از آن خطوط مبدأ پهنای دریای سرزمینی اندازه گیری می شود گسترش می یابد که از جایی که لبه بیرونی حاشیه آن قاره تا آن حد گسترش پیدا نمی یابد.

The coastal state exercises 'sovereign rights' over the continental shelf for the purpose of its exploration and the exploitation of its natural resources

دولت ساحلی حقوق حاکمه را نسبت به فلات قاره اش برای هدف اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی موجود در آن به اجرا در می آورد.

Natural

resources consist of mineral and other non-living resources of the sea-bed and subsoil together with living organisms belonging to sedentary species

منابع طبیعی، منابع معدنی و دیگر منابع غیر زنده بستر و زیر بستر دریا را به همراه موجودات زنده ای که متعلق به گونه هایی هستند که حرکت آنها وابسته به تماس مستقیم و مستمرشان با بستر دریا می باشد را در بر میگیرد.

These rights

are exclusive in the sense that no other state or person may undertake these



.activities without the coastal state's express consent

این حقوق انحصاری هستند بدین معنا که هیچ دولت با شخص دیگری نمی تواند این فعالیت ها را بدون رضایت صریح دولت ساحلی بر عهده گیرد.

They do not depend upon

.occupation, effective or notional, nor upon any express proclamation

این حقوق وابسته به اشغال چه به صورت عملی و یا غیر عملی نمی باشد و همچنین وابسته به صدور یک اعلامیه رسمی مبنی بر برخورداری صریح از حقوق حاکمه نمی باشند.

The existence

of such sovereign rights does not, however, affect the legal status of the

.superadjacent waters, or the air space above those waters

وجود چنین حقوق حاکمه ای به هر حال بر وضعیت حقوقی آبهای واقع در فراز فلات قاره و یا قلمرو هوایی واقع در فراز این آبها تأثیری نمی گذارد.

Drilling, tunneling the construction of artificial islands, installations and

.structures all fall within the exclusive jurisdiction of the coastal state



حفاری، تونل سازی، ساختن جزایر مصنوعی، برقراری تأسیسات و ساختارها همگی در چارچوب صلاحیت انحصاری دولت ساحلی قرار میگیرد.

However, all states have the right to lay submarine cables and pipelines and the coastal state may only take steps to control the laying or maintenance of such cables and pipelines as may be necessary for the prevention, reduction and control of pollution.

به هر حال، تمامی دولت ها از این حق برخوردار هستند تا کابل ها و خطوط لوله زیر دریایی را برای فلات قاره قرار دهند و دولت ساحلی فقط می تواند اقداماتی را اتخاذ نماید تا در خصوص حفاظت از کابل ها و خطوط لوله ای نظارت به عمل آورد آن هم در حدی که برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی ضروری باشد.

So far as concerns the rule for the delimitation of the continental shelf between states with opposite or adjacent coasts, this 'shall be effected by agreement



of the statute of the International Court of Justice (ICJ), on the basis of international law, as referred to in art 38, in order to achieve an equitable solution' (Art 38 of the Convention ۸۳).

تا جایی که به قاعده مربوط به تحدید حدود فلات های قاره میان دولتهای دارای سواحل مقابل و یا مجاور یکدیگر ارتباط می نماید این قاعده تحت تأثیر موافقت نامه واقع خواهد شد که بر اساس حقوق بین الملل منعقد می گردد بدانگونه که در ماده 38 اساسنامه دیوان بین الملل دادگستری اشاره شده است به منظور آنکه به یک راه حل منصفانه دست یافته شود (مطابق با ماده 83 کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها)



Dr. Talaie

In the *Case concerning the Continental Shelf between Libya and Tunisia*
the court had already decided that 'the principles and rules applicable (۱۹۸۲, ICJ)
to the delimitation of the continental shelf are those which are appropriate to bring
'about an equitable result

در قضیه مربوط به فلات قاره میان لیبی و تونس دیوان بین المللی دادگستری به سال ۱۹۸۲ دیوان از پیش تصمیم گرفته بود که اصول و قواعد قابل کاربرد در خصوص تحدید حدود فلات قاره همان اصول و قواعدی هستند که برای ایجاد یک نتیجه منصفانه مناسب می باشد.

The Case concerning the Continental Shelf between Libya and Malta (ICJ)

.gave the court the opportunity to pronounce upon this question once again
در قضیه مربوط به فلات قاره میان لیبی و مالت (دیوان بین الملل دادگستری به سال ۱۹۸۵ میلادی) یک با دیگر این فرصت را به دیوان بین الملل دادگستری داد تا در خصوص این مسئله اظهار نظر کند.



Convention on the Continental Shelf but Libya was ۱۹۵۸ Malta was a party to the
.not

مالت عضو کنوانسیون 1958 راجع به فلات قاره بود اما لیبی عضو این کنوانسیون نبود.

UN Convention on the Law of the Sea, but this had ۱۹۸۲ Both had signed the
.not entered into force

هر دو این کشورها (لیبی و مالت) کنوانسیون سازمان ملل متحد (1982 راجع به حقوق دریا را امضا نموده بودند اما این کنوانسیون هنوز لازم به اجرا نگردیده بود.



In these circumstances the court had no alternative but to decide the question
on the basis of customary international law

در چنین اوضاع و احوالی دیوان بین الملل دادگستری راهی جز این نداشت که در خصوص مسئله مورد نظر بر
اساس حقوق بین الملل عرفی تصمیم گیری نماید.

The material of customary'

international law is to be looked for primarily in the actual practice and *opinio juris*
of states, even though multilateral conventions may have an important role to play
... ,in recording and defining rules derived from custom

برای محتوای حقوق بین الملل عرفی بایستی در حله نخست به رویه واقعی دولت ها و به این اعتقاد دولتها توجه
نمود که آن رویه از نظر حقوقی برای آنها الزام آور می باشد حتی اگر چه کنوانسیون های چند جانبه می توانند نقش
مهمی در خصوص ضبط و ثبت و تعریف و تعیین قواعد برگرفته از عرف ایفا نمایند.



It cannot be denied that

Convention is of major importance, having been adopted by an ۱۹۸۲ the
overwhelming majority of states; hence it is the duty of the court to consider in
what degree any of its provisions are binding on the parties as customary

international

این نکته نمی تواند انکار شود که کنوانسیون 1982 از اهمیت عمده ای برخوردار است به گونه ای که این کنوانسیون
از سوی اکثریت غالب دولت ها پذیرفته شده است و بنابراین این وظیفه دیوان است تا در نظر گیرد که تا چه اندازه
ای هر یک از مقررات این کنوانسیون برای دولت های عضو بر اساس حقوق بین المللی عرفی الزام آور می باشند.

.law

.case ۱۹۸۲ and the pronouncement of the same court in the ۸۳. The court cited Art

دیوان بین الملل دادگستری ماده 83 کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها و نظر خود را در قضیه
1982 ذکر نمود.



:It concluded

دیوان بین الملل دادگستری اینگونه نتیجه گیری نمود

It is, in the court's view, incontestable that the institution of the 'exclusive economic zone, with its rule of entitlement by reason of distance, has become part of customary law

در نظر دیوان این غیر قابل انکار است که مفهوم منطقه انحصاری-اقتصادی به همراه قاعده بهره مندی از این منطقه به واسطه فاصله آن از خط مبدأ برخی (قسمتی) از حقوق عرفی شده است.

Although the institutions of the continental shelf and the exclusive economic zone are different and distinct, the rights which the exclusive economic zone entails over the sea-bed of the zone are defined by reference to the regime laid down for the continental shelf

اگرچه مفاهیم فلات قاره و منطقه انحصاری-اقتصادی متفاوت و متمایز از یکدیگر هستند حقوقی که در چارچوب منطقه انحصاری-اقتصادی نسبت به بستر این منطقه در بر گرفته میشوند بر اساس اشاره به نظامی که برای فلات



قاره مقرر شده است تعریف و تعیین میشوند.

Although there can be a continental shelf where
there is no exclusive economic zone, there cannot be an exclusive
.economic zone without a corresponding continental shelf

اگرچه یک فلات قاره میتواند وجود داشته باشد در جایی که منطقه انحصاری-اقتصادی وجود ندارد، یک منطقه
انحصاری نمی تواند بدون فلات قاره مربوطه اش وجود داشته باشد.

It follows that

the 'distance criterion' must now apply to the continental shelf as well ...

'as to the exclusive economic zone

این بدان معنا و مفهوم است که معیار فاصله اکنون بایستی هم در خصوص فلات قاره و هم در خصوص منطقه
انحصاری-اقتصادی به کار برده شود.



Legal

Text

۲

Dr. Talaie

To avoid any confusion, the court added that this was not to suggest that the distance criterion', had superseded the concept of the 'natural prolongation of the coast'.

برای پرهیز از هرگونه ابهامی دیوان بین المللی دادگستری اضافه نمود که این بدان معنا نبود که این گونه پیشنهاد گردد که معیار فاصله جانشین مفهوم امتداد طبیعی ساحل گردیده بود.

As may be seen, the decision in this important case throws new light on the notions of exclusive economic zone and the continental shelf.

همانگونه که میتواند مشاهده شود که تصمیم دیوان بین المللی دادگستری در این قضیه مهم روشنی جدیدی را به مفاهیم مسئله انحصاری-اقتصادی و فلات قاره بخشید.



Perhaps the most important outstanding dispute in respect of the drawing of the maritime frontier between two opposite state is that between the U.S.A. and the USSR concerning the Bering Strait, the Bering sea, the Navarin Basin and convention under which Czar ۱۸۶۷ generally the sea boundary deriving from the .million dollars v Alexander II sold Alaska to the United states for some

شاید مهم ترین و برجسته ترین اختلاف در خصوص ترسیم مرز دریایی میان دو دولت کنار یکدیگر اختلاف میان ایالات متحد آمریکا و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در خصوص تنگه برینگ دریای برینگ و حوضچه آبی ناوارین باشد و یا به طور کلی اختلاف راجع به مرز دریایی باشد که از کنوانسیون 1867 میلادی ناشی میشود که به موجب آن تزار، الکساندر دوم، آلاسکا را به مبلغ حدود 7 میلیون دلار به ایالت متحد آمریکا فروخت.

Enormous reserves of oil have been found in the Navarin Basin the exploitation of which is held up solely by reason of the dispute between the two .states

ذخایر گسترده ای از نفت در حوضچه آبی ناوارین یافت شده است که بهره برداری از این ذخایر صرفاً بدلیل اختلاف میان آن دو دولت نگاه داشته شده است.



It may thus be seen that behind the rules concerning the drawing of the maritime boundary lie the most important strategic military and economic considerations.

بدین ترتیب ممکن است مشاهده گردد که در ورای قواعد مربوط به ترسیم مرزهای دریایی مهم ترین ملاحظات استراتژیک نظامی و اقتصادی و قرار میگیرند.